

سیاست نامه خراسانی

قطعات سیاسی در آثار احمد ملا محمد کاظم خراسانی
صاحب کنایه (۱۳۲۹-۱۲۵۵ هجری قمری)

محسن کدبور



مجموعه منابع پیشگامان اسلام سیاسی در ایران معاصر (۱)





سیاست‌نامهٔ خراسانی

قطعات سیاسی در آثار آخوند ملا محمد کاظم خراسانی

صاحب کفایه (۱۳۲۹-۱۲۵۵ هجری قمری)

محسن کدیور



آخوند ملا محمد کاظم خراسانی



سیاست‌نامهٔ خراسانی

قطعات سیاسی در آثار آخوند ملامحمد کاظم خراسانی (صاحب کفایه)

□ محسن کدیور

- طراح جلد: حمیدرضا رحمنی ● لیتوگرافی و چاپ: غزال ● صحافی: کیمیا
- شمارگان: ۱۱۰۰ ● چاپ اول: ۱۳۸۵ ● چاپ دوم: ۱۳۸۷
- نشانی: تهران کریم خان زند، ابتدای قائم مقام فراهانی، کوی یکم، شماره ۲۶، واحد ۱
- ص.پ.: ۱۵۸۷۵-۶۴۹۴ ● تلفن: ۰۱۹۹۲-۸۸۳۰ ۰۸۸۳۲۲۱۷ فاکس: ۵۱۰۰ ● قیمت: ۹۶۴-۸۱۶۱-۶۳-۱ ۹۶۴-۸۱۶۱-۶۳
- ISBN: 964-8161-63-1

○ کلیه حقوق برای ناشر محفوظ است.

کدیور، محسن، ۱۳۳۸ -

سیاست‌نامهٔ خراسانی: قطعات سیاسی در آثار آخوند ملامحمد کاظم خراسانی / محسن کدیور؛ به کوشش ستاد بزرگداشت یکصدین سالگرد مشروطت. -- تهران: کویر، ۱۳۸۷.

ISBN 964-8161-63-1

فهرست نویسی براساس اطلاعات پیا.

۱. آخوند خراسانی، محمدکاظم بن حسین، ۱۳۲۹-۱۲۵۵ق. نظریه درباره سیاست و حکومت. ۲. اسلام و دولت. ۳. ایران -- تاریخ - انقلاب مشروطه، ۱۳۲۷-۱۳۲۴ق. الف. ستاد بزرگداشت یکصدین سالگرد مشروطت. ب. عنوان.

۲۹۷/۹۹۸

BP ۵۵ / ۳ / ۰۳

۰۸۴-۱۵۲۲۶

کتابخانه ملی ایران

فهرست مطالب

مقدمة	فت
١. فوائد في دليل العقل	١
٢. فائدة في المدح والذم في الأفعال	١
٣. فائدة في الملازمة بين العقل والشرع	٤
٤. بحث في حجية القطع الحاصل من المقدمات العقلية	١٤
٥. رسالات في الاجتهاد والتقليد	١٧
٦. قاعدتان فقهيتان	٣١
٧. قاعدة لا ضرر	٣١
٨. رسالة في العدالة	٣٤
٩. المسائل المنتخبة من «تكميلة التبصرة»	٤١
١٠. كتاب الجهاد	٤٣
١١. كتاب القضاء والشهادات	٤٦
١٢. مبحث الولاية في تعليلات المكاسب	٥١
١٣. ولادة الآب والجد	٥١
١٤. ولادة الفقيه	٥٦
١٥. ولادة عدول المؤمنين	٦٨
١٦. مسئلتان في الوقف	٨١

٨١	الناظرة في الوقف
٨٧	التوقيت في الوقف
٩٧	٧. تقريرات القضاء
١٠١	الموضع الأول في شرائط القاضي
١٣٦	الموضع الثاني في آداب القاضي
١٤١	٨. منتخب فتاوى فارسي
١٤١	مسائل تقليد
١٥١	مسائل خمس
١٥٥	٩. أهم لوايح و تلغرافات
١٥٥	مكتوبات سنة ١٣١٧ تا ١٣٢٣
١٦٣	مكتوبات سنة ١٣٢٤
١٦٧	مكتوبات سنة ١٣٢٥
١٨٢	مكتوبات سنة ١٣٢٦
٢٢١	مكتوبات سنة ١٣٢٧
٢٥٣	مكتوبات سنة ١٣٢٨
٢٧٩	مكتوبات سنة ١٣٢٩
٣٠٣	پيوستها
٣٢٧	گاهشمار
٣٣١	قهرستها
٣٣٣	١. فهرست منابع
٣٤٣	٢. فهرست آيات
٣٤٦	٣. فهرست روایات
٣٥١	٤. فهرست اشعار
٣٥٢	٥. فهرست اعلام
٣٥٩	٦. فهرست كتب
٣٦٣	٧. فهرست جرائد
٣٦٥	٨. فهرست مکانها
٣٦٨	٩. فهرست تفصیلی مطالب

مقدمه

بسم الله الرحمن الرحيم

آیت الله ملا محمد کاظم خراسانی (۱۲۹۹-۱۲۵۵ هجری قمری) مشهور به آخوند خراسانی، آخوند و صاحبِ کفایه، یکی از بزرگترین علمای جهان اسلام در سده اخیر است. اعتبار خراسانی از دو حیث است: اول، وی یکی از ارکان علم اصول فقه در حوزهٔ تشیع محسوب می‌شود، تا آنجا که مهمترین تألیف وی «کفایة‌الاصول» از زمان نگارش تاکنون محور تعلیم و تعلم این رشته در حوزه‌های علمیه امامیه می‌باشد و آراء خاص و ابتکارات وی کماکان زنده و مورد بحث است.

دوم، او بلندپایه‌ترین حامی مشروطیت در ایران در میان عالمان دین و مراجع تقلید بوده، در دو بعد عملی و نظری در نهضت مشروطه منشأ اثر جدی بوده است، تا آنجا که از زمان رسالت مشروطیت در ایران تا زمان وفاتش یعنی حدود شش سال، خراسانی شخصیت اول در تحولات نظری و عملی در ایران و حوزهٔ تشیع است. او در حوزهٔ سیاست صاحب آراء بدیعی است که با اندیشهٔ فقهان قبل از خود تفاوت جدی دارد. این آراء تازه به میزانی است که خراسانی را صاحب یک «مکتب سیاسی» معرفی می‌کند. مکتبی که پس از وی شاگردان متعددش که فقهان طراز اول و مراجع تقلید سدهٔ اخیر تشیع بوده‌اند، تا حدودی ادامه داده‌اند و وجههٔ غالب حوزهٔ کهنسال نجف اشرف پس از وی بوده است.

«مکتب سیاسی خراسانی» علیرغم اهمیت فراوان، متأسفانه کمتر مورد بحث و تأمل قرار گرفته است. غفلت از اندیشهٔ سیاسی خراسانی معلول چند عامل می‌تواند باشد: اول، خراسانی فرست آنرا نیافت که کتاب مدقون یا رسالهٔ مستقلی در حوزهٔ سیاست به رشتہ تحریر درآورد. آراء سیاسی او در میان آثار فقهی اصولی و تلگرافها، نامه‌ها و احکام سیاسی وی پراکنده است. آثار گرانسنجی از قبیل «الثالثی المریبوطه فی وجوب المشروطه» شیخ

اسماعیل محلاتی (نگارش یافته در ۱۳۲۶) و «تبیه الامة و تنزیه الملّة» میرزا محمدحسین نائینی (نگارش یافته در ۱۳۲۷) از فضای بلنديا به حوزه استفتای خراسانی، باعث شده از آراء عمیق سلسله جنبان مشروطه غفلت شود و مبانی نظری وی نادیده گرفته شود. علیرغم اشتراک فراوان دیدگاههای سیاسی محلاتی و نائینی با خراسانی، در موارد قابل توجهی نیز خراسانی با آنها اختلاف نظر دارد، و اتفاقاً غالب ابتکارات وی در حوزه سیاست در همین موارد است.

دوم، آراء پرآنکنده سیاسی خراسانی تاکنون گردآوری و منتشر نشده است، حتی مجموعه آثار فقهی، اصولی و فلسفی وی نیز بطور کامل به زیور طبع آراسته نشده است. در دسترس نبودن تصحیح انتقادی این مجموعه بالازش نیز از عوامل کم عنایتی به اندیشه سیاسی وی می‌تواند باشد.

سوم، ناکامی عملی نهضت مشروطه و سیطره دویاره نظام استبدادی در لباس مشروطه و یا پس و سرخوردگی شدید عالمان دین و مراجع و فقهاء از دیگر اسباب روگردانی از نظریه بردازان دینی مشروطه و غفلت از آراء آنان می‌تواند باشد. غفلتی که دامان خواص را هم فراگرفته، اندیشه سیاسی خراسانی و آراء بکر او در این زمینه امروز نیز در حوزه‌های علمیه کمتر شناخته شده است.

مطالعه اندیشه سیاسی خراسانی از دو زاویه حائز اهمیت است: یکی از زاویه تاریخی، به دولحاظ، یکی به لحاظ تاریخ تحولات سیاسی صد سال اخیر ایران، و دیگری به لحاظ تاریخ تحولات فکری سده اخیر تشیع، تا آنجاکه بدون آشنایی با مکتب سیاسی خراسانی این مقطع تاریخی بطور کامل قابل شناخت نخواهد بود. زاویه دوم، زاویه اندیشه و تحولات امروز ایران است. بویژه از منظر تجاه حضور دین در سیاست و یا نسبت دین و سیاست، با توجه به تجربه ربع قرن اخیر ایران، اندیشه سیاسی خراسانی حائز اهمیت فراوان است. غفلت از این مکتب سیاسی باعث شده شاهد نوعی ارتتجاع و بازگشت به اندیشه‌ای که خراسانی در نقد آن بسیار کوشیده باشیم. فقط به یک نکته اشاره کنم و بگذرم، نام بزرگراه منتهی به میدان آزادی در تهران بزرگ، شیخ فضل الله نوری است. و نام خراسانی حتی بر تارک یک پس کوچه هم دیده نمی‌شود. تو خود حدیث مفصل بخوان از این مجلمل.

در این مقدمه چهار مطلب مورد بحث قرار می‌گیرد: اول، اهم ممیزات مکتب سیاسی خراسانی؛ دوم، فهرست آثار خراسانی؛ سوم، تبیین مراد از آثار سیاسی؛ چهارم، مشخصات

مطلوب سیاست‌نامه خراسانی و محدودیتهای تحقیق.

بخش اول: اهم ممیزات مکتب سیاسی خراسانی

آنچه ضرورت تدوین «سیاست نامه خراسانی» را ایجاد کرد، یافتن آرائی متفاوت از آخوند خراسانی در حوزه سیاست بود. تحلیل انتقادی این آراء بطور کامل در کتاب «مکتب سیاسی خراسانی» که در حکم جلد دوم «سیاست‌نامه خراسانی» است خواهد آمد. در این مختصر تنها به عنوان نمونه به چهار رأی ابتكاری وی اشاره اجمالی می‌شود:

ارتقای نقش عقل در اجتهاد و سیاست

علیرغم اینکه عقل از آغاز تدوین فقه شیعی همواره یکی از منابع فقه شمرده شده است و هیچگاه به کلی از صحنه نظری فقیهان حذف نشده است، اما حق آن نیز بطور کامل استیفا نشده است. پس از سیطره کوتاه اندیشه اخباری‌گری بر حوزه‌های شیعی که رویکردی عقل‌ستیز و نقل‌گرا و حدیث محور داشتند، جریان اصولی به همت وحید بهبهانی کوشش دوباره‌ای در احیای حق عقل در اجتهاد به حساب می‌آید. آخوند خراسانی پس از استادش شیخ مرتضی انصاری سوّمین شخصیت بارز جریان بالنده اصولی شمرده می‌شود. ویزگی بارز خراسانی در علم اصول تتفییح و پالایش علم اصول فقه از زوائد فراوان، گزیده‌گویی و عقلانی تر کردن مباحث این علم است. اما آنچه بطور خاص درباره دیدگاه خراسانی در ارتقای نقش عقل گفتنی است، مباحث نظری وی نیست، خراسانی در عمل نقش عقل را در اجتهاد و سیاست‌ورزی ارتقا بخشدید. تأمل در اعلامیه‌ها، بیانیه‌ها، نامه‌ها، تلگرافها و احکام سیاسی آخوند خراسانی نشان می‌دهد که او بیش از همگنان خود به دلیل عقل استناد کرده، برای اهداف سیاسی خود در کنار استناد به کتاب و سنت، توجیهات متعدد عقلی ارائه کرده است. بسیاری از این توجیهات عقلی برای نخستین بار است که از جانب یک فقیه یا مرجع تقلید ارائه می‌شود. به عنوان نمونه دو مورد زیر قابل ذکر است:

«مجلسی که تأسیس آن برای رفع ظلم و اغاثة مظلوم و اعانت ملهوف و امر معروف و نهی از منکر و تقویت ملت و دولت و ترفیه حال رعیت و حفظ بیضه اسلام است قطعاً عقلاء و شرعاً و عرفاً راجح بلکه واجب است، و مخالف و معاند او مخالف شرع انور و مجادل با صاحب شریعت است.»

(نامه ۱۵، سیاست‌نامه خراسانی / ۱۷۲)

«امروز عقلای عالم متفقند که مقتضیات این قرن معاصر با مقتضای قرون سالفة است. هر دولت

و ملّتی که در امور عرفیه و موضوعات خارجیه از قبیل تسطیح طرق و شوارع و تجهیز عساکر برایه و بحریه به طرز جدید و آلات جدیده و تأسیس کارخانجات که سبب ثروت ملیه است به وضع حالیه نکند و علوم و صنایع را رواج ندهند به حالت استقلال و حفظ جلالت افراد مستقر نخواهد بود، و بقای بر مسلک قدیمی جز اضمحلال و انقراض نتیجه نخواهد داد، پس تأسیس این امور محترمه حفظ پیشنه اسلامی است و در معنا این اعمال یک نحو جهاد دفاعی است که بر عامة مسلمین واجب و لازم است، بلکه در شرعیات اهم از این نیست، و همه کس می‌داند دول کفر از همین طرق ترقیات کرده دست تطاول و تغلب به خاک مقدس اسلامی گشودند.

پس امروزه تکلیف عموم مسلمانان قهرآ همین است که ترک مسلک خبیث استبداد نموده و در تحصیل این مشروع مقدس که اقامه دارالشورای ملی و اجرای قانون مساوات قرآنی می‌باشد غایت جهد را مبذول دارند تا از برکت آن بتواند حفظ سلطنت اسلامی را نموده باشند، چنانکه احرار دولت علیه عثمانیه با ایفاء مراسم حمیت اسلامی به نشر و تأسیس آن نائل شدند، و اگر دول مجاوره بلکه عموم دول از این راه ترقی و تسلط بر اسلامیان پیدا نکرده بودند، این تکلیف بر مسلمین بر این وظیفة شرعیه عقلیه محض حفظ سلطنت استقلالیه اسلامیه مکلفند و متمرد از آن یا جاہل و احمق است یا معاند دین حنیف اسلام.

و اگر فرض خلاف واقع بکنیم که با وضع استبداد [و] اساس ظلم به عادت دیرینه نیز استقلال ایران از تأیید الهی و برکت حجت عصر (عجل الله فرجه) باقی خواهد بود، مع ذلك سلطنت مشروطه و عدالت و مساوات در کلیه امور حسیبه به شرع اقرب از استبداد است، بدیهی است عقول عدیده جهات خفیه و کامنه اشیاء را یهتر از یک عقل ادراک می‌کند و ظلم و جور و تعدی و اجحاف با فعالیت و حکمرانی مبعوثان ملت به درجات کمتر خواهد بود،» (نامه ۲۱۷/۴۰-۲۱۶)

رجحان بلکه وجوب عقلی تأسیس مجلس شورای ملی؛ اتفاق عقلای عالم بر تغییر مقتضیات زمانه؛ رواج علوم و صنایع و استقلال کشور به مثابه جهاد دفاعی وظیفة شرعیه عقلیه؛ اقرب بودن سلطنت مشروطه، عدالت و مساوات در کلیه امور حسیبه به شرع از استبداد؛ اقوی بودن عقول متعدد از عقل یک نفر در ادراک جهات پنهان اشیاء جلوه‌های رویکرد عقلی به سیاست در اندیشه آخوند خراسانی است. رجحان عقل جمعی بر عقل فردی در تدبیر سیاسی مفتاح ورود به سیاست جدید است.

انحصار ولایت مطلقه در ذات ربوبی و انکار مطلق ولایت مطلقه بشری رأی مشهور شیعه قبل و بعد از آخوند خراسانی اطلاق ولایت پیامبر(ص) و ائمه(ع) بر مردم

است، به این معنی که اولیاء مقصوم صاحب ولايت مطلقه بر جان و مال و ناموس مردم هستند و اختیار ایشان از اختیار خود مردم بر خودشان بیشتر است و تمامی اوامر و نواهي صادره از ایشان اعم از احکام شرعی و عرفی و خصوصی و عمومی واجب الاتباع است. آخوند خراسانی برخلاف مشهور (از جمله رأی استادش شیخ انصاری در مکاسب) ولايت مطلقه را منحصر در ذات رویی دانسته، ولايت تشریعی پیامبر(ص) و ائمه(ع) را مقید به کلیات مهم امور سیاسی اعلام می‌کند و ادله را از اثبات ولايت ایشان در امور جزئیه شخصیه ناتوان می‌یابد. به نظر وی پیامبر(ص) و ائمه(ع) همواره حریم شریعت در زندگی خصوصی مردم را رعایت می‌کرده‌اند و ولايت ایشان عمومیت ندارد.

«در ولايت امام(ع) در امور مهم کلیه متعلق به سیاست که وظیفة رئیس است تردیدی نیست، اما در امور جزئیه متعلق به اشخاص - از قبیل فروش خانه و غیر آن از تصرف در اموال مردم - اشکال است، بواسطه آنچه بر عدم نفوذ تصرف احادی در ملک دیگران جز با اذن مالک دلالت می‌کند، و نیز ادله عدم حلیت [تصریف در] مال مردم بدون رضایت مالک، ووضوح اینکه پیامبر(ص) در سیره خود با اموال مردم معامله سایر مردم را [با یکدیگر] می‌نمود. و اما آیات و روایاتی که بر اولویت پیامبر(ص) و ائمه(ع) بر مؤمنان از خودشان دلالت دارند [از قبیل آیه «النبي اولی بالمؤمنین من انفسهم» احزاب /٤٦] نسبت به احکام متعلق به اشخاص به سبب خاص از قبیل زوجیت و قرابت و مانند آنها، تردیدی در عدم عموم ولايت ایشان نیست، [به این معنی] اکه ایشان بر خویشاوندان [امیت] در ارت اولویت داشته باشد و بر همسران از شوهرانشان اولی باشد، آیه «النبي اولی بالمؤمنین» تنها بر اولویت پیامبر(ص) در آنچه در آن مردم اختیار دارند دلالت می‌کند، نه در آنچه از احکام تبعیدی و بدون اختیار متعلق به مردم است. بحث در این [مسئله] باقی می‌ماند که آیا تبعیت از اوامر و نواهي امام(ع) مطلقاً و لو در غير سیاسیات و غير احکام [شرعی] از امور عادی واجب است یا اینکه وجوب تبعیت مختص به امور متعلق به آن دو مورد می‌باشد؟ در آن اشکال است، قدر متیقّن از آیات و روایات، وجوب اطاعت در خصوص آنچه از ایشان از جهت نبوت و امامت صادر شده می‌باشد.» (تعليق المکاسب، تعليقة ۱۰، سیاست نامه خراسانی /۱۶-۱۷)

از دیدگاه خراسانی امور آدمیان به دو حوزه تقسیم می‌شود؛ اول، امور عمومی، یعنی آنچه که مردم در آن حوزه به رئیس و دولت مراجعه می‌کنند و از آن به حوزه سیاسی یا امور کلیه (غير جزئیه) تعبیر می‌شود. دوم، امور خصوصی که از آن به امور جزئی متعلق به اشخاص تعبیر می‌شود. در این حوزه از جانب شارع احکامی وضع شده از قبیل مالکیت، ازدواج، ارت

و... که رعایت این احکام شرعی بر همگان حتی پیامبر(ص) و ائمه(ع) واجب است و ایشان نیز به شهادت سیزه و سنت دقیقاً حريم شرعی را در زندگی خصوصی و شخصی مردم رعایت می‌کرده‌اند.

در حوزه اول پیامبر(ص) و ائمه(ع) ولایت داشته‌اند، اما در حوزه دوم چنین ولایتی اثبات نمی‌شود، یعنی ولایت مخصوصان مقید به حوزه متعارف عمومی و سیاسی است و زائد بر آن یعنی ولایت مطلقه بر جان و مال و ناموس مردم را فاقدند. خراسانی دوگونه تصرف غیرمتعارف (یعنی از غیر طرق معهود و شناخته شده همگانی شرعی) را درجات و مال و ناموس مردم برای ایشان منوع می‌یابد. او هیچ حق ویژه‌ای را برای ایشان در حوزه دوم به رسمیت نمی‌شناسد و همگان را بدون استثنای برای احکام شریعت مساوی می‌داند. خراسانی در انحصار ولایت مطلقه در ذات ربویی و اعتقاد به ولایت مقیده به حدود شرعیه برای پیامبر(ص) و ائمه(ع) یعنی نقی ولایت مطلقه بشری و نقی جواز تصرف مخصوصان(ع) در جان و مال و ناموس مردم خارج از احکام متعارف شریعت نخستین فقیه امامی است. این رأی شجاعانه مورد نقد نائینی (تعلیق المکاسب، تقریرات بحث النائینی، محمد تقی الاملی، ۳۲۳-۳۲۲/۲) و شاگرد طراز اولش شیخ محمدحسین غروی اصفهانی مشهور به کمبانی (حاشیة المکاسب، ۱۲۱/۱) واقع شده است. این رأی وحید خراسانی لوازم و پیامدهای فراوانی از جمله در بحث ولایت فقیه دارد.

امتناع تحقق «حکومت مشروعه» در عصر غیبت یکی از ممیزات شیعه از آغاز این بود که مشروعیت قدرت سیاسی را مشروط به شرائطی از جمله عصمت حاکم و منصوب و منصوص بودن وی از جانب خدا می‌دانست. از اواخر قرن دهم که سلسله‌های شیعی با تأیید برخی علمای امامیه در ایران به قدرت می‌رسند، در توجیه امر واقع یعنی مشروعیت سلطنه سیاسی سلاطین شیعه (که نه مخصوصمند و نه عادل) دو راه حل از لایلای آراء فقهای این دوره قابل استخراج است.

راه حل اول: سلطنت مسلمان ذی شوکت. یا نادیده گرفتن اینکه سلطان قدرت فرد را از چه طریقی بدست آورده، اگر شوکت و اقدار لازم را در اداره جامعه و دفاع از مسلمانان در مقابل اجانب و مخالفان داشته باشد، ظواهر شریعت را محترم بشمارد و سیطره فقها را در امور شرعیه برسمیت بشناسد، سیاست و مصالح عامه را می‌توان به او سپرد و او در کنار فقها حافظ

بیضه اسلام محسوب می‌شود. محمد باقر مجلسی، میرزا قمی در ارشادنامه، سید جعفر کشفی و شیخ فضل الله نوری از جمله قائلین این نظریه معطوف به توجیه عمل خارجی بوده‌اند.
(نظریه‌های دولت در فقه شیعه، نظریه اول / ۵۸۷۹)

راه حل دوم: سلطنت مأذون از فقیه جامع الشرائط، در نظریه ولایت انتصابی عامة فقها لازم نیست فقیه بالمبادره اداره امور جامعه را به عهده بگیرد، بلکه می‌تواند به سلطان ذی شوکت شرعاً اذن پدهد که تدبیر سیاست جامعه را به سامان آورد. واضح است که این راه حل همانند راه حل پیشین ناظر به توجیه امر واقع است و اذن یاد شده تشریفاتی بوده است و الا هیچیک از سلاطین توسط فقها گزینش و منصوب نشده‌اند. شیخ جعفر کاشف الغطا، سید محمد مجاهد و میرزا قمی (در آثار فقهیش) از جمله مبتکران این راه حل محسوب می‌شوند. (پیشین، نظریه دوم)

آیا حکومتی که به یکی از دو طریق فوق مشروعیت یافته باشد را می‌توان «حکومت مشروعه» یا «سلطنت شرعیه» یا «حکومت اسلامی» نامید؟ یکی از مباحثی که در عصر مشروطه در ایران در میان عالمان موافق و مخالف مشروطه مطرح می‌شود امکان پیش از عدم امکان مشروعه دانستن حکومت مشروطه یا حکومت سلطنتی مطلقاً می‌باشد. مخالفان مشروطه از قبیل شیخ فضل الله نوری حکومت مشروطه را خلاف شرع دانسته، حکومت محمدعلی شاه قاجار را سلطنت اسلامیه نامیده، اوامر وی را شرعاً مطاع می‌یابند و خود را طرفدار «حکومت مشروعه» معرفی می‌نمایند. (رسائل شیخ فضل الله نوری، ۱۱۴/۱، ۱۰۱ و ۷۵-۷۶) از سوی دیگر برخی مشروطه‌خواهان نیز خود را طرفدار حکومت مشروطه مشروعه معرفی می‌کنند (سید عبدالحسین لاری، رسائل مشروطیت / ۳۹۸-۳۶۳)

آخوند خراسانی اگرچه حکومت مشروطه را خلاف شرع نمی‌داند، اما با الحاق عنوان «مشروعه» به آن مخالف است، چرا که او حکومت مشروعه (حکومت اسلامی) را منحصر به حاکمیت مخصوص می‌شمارد.

«مگر سلطنت استبدادیه شرعی بود که از تغیر و تبدل آن به سلطنت مشروطه به دسته عمر و عاصی عنوان مشروعه نموده، محض تشویش اذهان عوام و اغلوبه دافریب باعث این همه فتنه و فساد گشته، سفك دماء و هتك اعراض و نهب اموال را باحد نمودند؟ واعجبًا چگونه مسلمانان، خاصة علماء ایران ضروری مذهب امامیه را فراموش نمودند که سلطنت مشروعه آن است که متصدی امور عامة ناس، و رتق و فتق کارهای قاطبه مسلمین و فیصل کافه مهام به دست

شخص معصوم و مؤید و منصوب و منصوص و مأمور من الله باشد، مائد انبیاء و اولیاء (صلوات الله علیهم) و مثل خلافت امیر المؤمنین (علیه السلام) و ایام ظهور و رجعت حضرت حجت (علیه السلام) و اگر حاکم مطلق معصوم باشد، آن سلطنت غیر مشروعة است، چنانکه در زمان غیبت است» (نامه ۴۰، سیاست‌نامه خراسانی / ۲۱۶)

به نظر خراسانی ضروری مذهب امامیه این است که حکومت مشروعة تنها با زمامداران معصوم میسر است و هر حکومتی با زمامداری غیرمعصوم غیرمشروعة است. معنای واضح چنین بنایی لین است که به حکومتهای عصر غیبت نمی‌توان اطلاق «حکومت اسلامی» نمود و اطلاق «حکومت مشروعة» بر آنها جایز نیست. آنگاه خراسانی تقسیم حکومتها را از دیدگاه خود بیان می‌کند:

«و سلطنت غیرمشروعة دو قسم است: عادله، نظیر مشروطه که مباشر امور عامه عقلاً و متدينین باشند؛ و ظالمه جابره است، آنکه حاکم مطلق یک نفر مطلق العنان خودسر باشد. البته به صریح حکم عقل و به فضیح منصوصات شرع، غیرمشروعة عادله مقدم است بر غیرمشروعة جابره. و به تجربه و تدقیقات صحیحه و غور رسیهای شافیه مبرهن شده که هُنّ عشر تعدیات دوره استبداد در دوره مشروطیت کمتر می‌شود، دفع افسد و اقبح به فاسد و قبیح واجب است، چگونه مسلم جرأت تقوه به مشروعيت سلطنت جابره می‌کند، و حال آنکه از ضروریات مذهب جعفری (ع) غاصبیت سلطنت شیعه است.» (پیشین / ۲۱۷)

خراسانی در عبارات فوق نکات بدیعی را مطرح می‌کند. نکته اول، تفاوتی است که او بین «حکومت مشروعة» و (منطبق بر شرع و دین و قابل استناد به صاحب شریعت) و «حکومت مشروع» (مجاز به لحاظ شرع و دین) می‌گذارد. او حکومت غیرمشروعة عادله را به لحاظ شرعی مجاز و ممکن می‌شمارد، هرچند به آن اطلاق مشروعة (اسلامی) را مجاز نمی‌شمارد. در حکومت مشروعة، حاکم منصوب و منصوص از جانب خداوند است. حکومت مشروعة در مورد غیرمعصوم منتفی و ممتنع است. خراسانی این امر را از ضروریات مذهب می‌شمارد. نکته دوم: او حکومتها را دوبار تقسیم می‌کند. حکومتها یا مشروعة‌اند یا غیرمشروعة. حکومت‌های غیرمشروعة یا عادله‌اند یا ظالمه. ملاک اول که ملاکی کلامی است انطباق بر شریعت و دین است و ملاک دوم که فقهی یا به زبان دقیق‌تر حقوقی و سیاسی است تحقق عدالت است. در عصر غیبت به نظر خراسانی ملاک صحت حکومت عدالت و دادگری است. نکته بدیع خراسانی در اینجا تقض تساوی معصوم و عادل (علیرغم پذیرش تساوی مشروعة

و معصوم) است، او با شجاعت عادل را اعم از معصوم و غیرمعصوم دانست. او حکومتهاي استبدادي را هم غيرمشروعه و هم غيرمشروع مى داند. بنابراین خراساني نه راه حل سلطنت مسلمان ذیشوکت را مى بذيرد و نه سلطنت ماذون از فقهه جامع شرائط. او در حوزه فقهيان سخني تازه در آنداخته «حکومت عادله» و عدالت به نظر وي با عقل جمعي و نظارت و توزيع قدرت حاصل مى شود و حکومت مطلقه و استبدادي عین ظلم است.

خراساني در تقسيم حکومتها با نائيني و محلاتي اختلاف نظر دارد. نائيني حکومتها را به دو دسته مجاز و مشروع که در آن هيج ظلم و غصبی صورت نمی گيرد و حکومتهاي نامشروع که در آنها ظلمها و غصبهاي متعدد صورت مى گيرد تقسيم كرده است. به نظر نائيني حکومتهاي مشروع سه دسته‌اند: اول، حکومت معصومين (ع)، دوم، ولایت بال المباشره نواب عام يعني فقهاء عدول در صورت بسط يد، و سوم حکومت عادله مشروعه با اذن از فقهاء عدول. نائيني حکومتهاي نامشروع را نيز دو دسته مى داند: اول، حکومتهاي عادله مشروعه بدون كسب اذن از فقهاء عدول، دوم، حکومتهاي ظالمه از قبيل حکومتهاي استبدادي و مطلقه (تبیه الامة و تنزیه الملة / ۴۸ و ۴۷ و ۴۲).

مقایسه نظر نائيني با رأي خراساني نشان مى دهد که او^{۱۰} نائيني برخلاف خراساني با قائل نشدن به تفاوت بين حکومت مشروعه و حکومت مشروع تمامی حکومتهاي مجاز و مشروع را مشروعه و اسلامي دانسته است. ثانياً، نائيني برای حکومت مشروع سه مصدقاق قائل است، حال آنکه چون خراساني برای فقهان حق ویژه‌ای در حوزه سیاست قائل نیست تتها به دو مصدقاق قائل است: حکومت مشروعه معصومان و حکومت غيرمشروعه عادله. ثالثاً، نائيني اذن فقيه را شرط مشروعیت حکومت عادله مشروعه می شمارد، حال آنکه خراساني بواسطه عدم باور به ولایت سياسی فقها - آنچنانکه خواهد آمد - مشروعیت و جواز چنین حکومتی را متوقف بر اذن فقها نمی داند و سلوک عادلانه آنرا وجه ممیزه مشروعیت آن می شمارد، هرجند کماکان آنرا غيرمشروعه مى داند.

شيخ اسماعيل محلاتي معاصر فاضل خراساني (اللسالى المربوطه، رسائل مشروعه) نيز در زمينه تقسيم حکومتها رأيی متفاوت با استاد دارد. او^{۱۱}، محلاتي ولایت معصومان و سلطنت مطلقه مستبدیه را تحت يك دسته يعني سلطنت مستقله و پادشاهی انفرادي قرار داده و حکومت مشروعه را در مقابل اين دسته دانسته است. حال آنکه خراساني ولایت معصومان را تها مصدقاق حکومت مشروعه معرفی کرده است. ثانياً، محلاتي ولایت معصومان

را ولايت مطلقه دانسته به شيوه مشهور سلوک کرده، حال آنکه خراساني ولايت مطلقه بشرى را اعم از معصوم و غيرمعصوم نفي کرده، به ولايت مقيدم در چارچوب شرع معصومان قائل شده است.

سياست‌ورزی فقيهان

آيا فقيهان در حوزه سياست و در مقاييسه با ديگر مردم از حقوق و پژوه و اختصاصي برخوردارند؟ آيا مناصبی از قبيل ولايت يا نظارت استصوابی مختص به فقيهان است؟ در عصر خراساني دو نظریه در باب ولايت سياسي فقيه مطرح است، يکی نظر نراقی (عواندالایام / مائده ۵۴) و صاحب جواهر (۱۷۸/۱۶) که ولايت عامه فقيه را عملاً و نظراً از مسلمات و ضروريات فقهی می‌شمارد، و ديگری نظر شیخ انصاری در مکاسب (۴۷-۵۱/۲) دال بر انکار ولايت عامه فقهاء و عدم پذيرش عموم نيابت فقهاء از ائمه(ع). خراساني در اين مستله به استادش شیخ انصاری اقتدا کرده است:

«ثبوت اختيارات امام(ع) برای فقید محل اشكال و بحث است» (تعليقات مکاسب، تعلیقۀ شماره ۱، سیاست‌نامه خراسانی ۶۰/۶)

خراساني آنگاه با حوصله تک تک روایات را از حيث دلالت بر ولايت فقيه مورد بحث و بررسی قرار می‌دهد: حدیث منزلت، روایت مجاری الامور تحف العقول، روایت «ان اولی الناس بالأنبياء»، حدیث «اللهم ارحم خلفائي»، مقبوله عمر بن حنظله، مشهوره ایسی خدیجه و توقيع «اما الحوادث الواقعه» و سپس جداگانه عدم دلالت هر یک را بر ولايت عامه فقهاء اثبات کرده است. به نظر خراساني متین از هم منزلت بودن فقيه با انبیاء بنی اسرائیل، منزلت در تبلیغ احکام دین بین مردم است، ضمناً ولايت مطلقه انبیاء بنی اسرائیل نیز اثبات نشده است. اگرچه لزوم مجاری امور بدلست علماء بودن ملازم ولايت ایشان است اما او لاً قرائن موجود در متن خبر نشان می‌دهد که مراد از علماء خصوص ائمه(ع) هستند. ثانياً: خبر مرسل است. خلافت در حدیث «اللهم ارحم خلفائي» اطلاق ندارد تا بر ولايت فقيه دلالت کند، ظهور آن جانشينی در تبلیغ احکام است. مقبوله و مشهوره ظهور در اختصاص به رفع خصوصیت دارند و دلالتی بر ولايت فقيه ندارند. ارجاع حوادث واقعه به فقهاء دلالتی بر ولايت فقيه ندارد چرا که با قوت احتمال معهود بودن حوادث و اشاره به خصوص آنچه در سؤال ذکر شده است، اطلاقی در کار نیست تا به آن تمسک شود. ثانياً حجتت از جانب امام عصر(عج) مستلزم ولايت مطلقه

نیست، زیرا بین حجیت و ولایت، عقلأً و عرفاً تلازمی نیست. خراسانی علاوه بر تعلیقات مکاسب در تقریرات قضایی نیز بر انکار ولایت فقیه تأکید می‌کند (سیاست‌نامه خراسانی ۱۷۱/)

خراسانی اگرچه همواره از زاویه تکلیف شرعی با ظلم مبارزه کرد و نهضت عدالت خواهانه مشروطه را رهبری کرد، اما این تکلیف شرعی را از تکالیف عمومی دین از قبیل امر به معروف و نهی از منکر اخذ کرده نه از حکم اختصاصی ولایت فقیه. با توجه به پرونده درخشنان مبارزات سیاسی وی می‌توان به جرأت ادعا کرد که خراسانی مبارزترین فقیه منکر ولایت فقیه است. انکار ولایت عامه فقیه از سوی خراسانی به این معنی است که وی برای فقها حق ویژه‌ای در حوزه عمومی قائل نشده است و تکلیف شرعی اختصاص تصدی بالمعاشرة مناصب کلیدی جامعه برای فقها قائل نیست. بر این اساس تصدی مناصب سیاسی از سوی دیگر اقتدار مردم متوقف بر اذن شرعی از سوی فقها نخواهد بود. در حوزه عمومی تفاوتی بین فقیه و غیرفقیه نیست. لازمه نفی ولایت عامه فقیه، پذیرش عدم کفایت فقه در اداره جامعه، بلکه بالاتر از آن تفاوت فقه با سیاست و مدیریت است. فقیه از آن حیث که فقیه است هیچ برتری و رجحانی بر دیگر آحاد مردم در تدبیر حوزه عمومی ندارد. با تبحر در استنباط کلیات از ادله نمی‌توان تضمینی برای شناخت صحیح موضوعات جزئی عرفی یا تطبیق درست احکام کلی بر مصاديق جزئی دست و پا کرد.

انکار ولایت فقیه از سوی خراسانی به معنای نفی هر سه نوع ولایت فقیه است.

نوع اول، ولایت مطلقه به معنای ولایت تصرف در جان و مال مردم فراتر از احکام اولی و ثانوی شرعی و جواز انجام هر آنچه ولی مطلق مصلحت بداند و لو ترک واجب و فعل حرام. خراسانی ولایت مطلقه را نه تنها برای فقها باور ندارد، بلکه ولایت مطلقه پیامبر(ص) و آنمه(ع) را نیز نمی‌پذیرد. او ولایت مطلقه بشری را مطلقاً مردود دانسته هر نوع ولایت انسانی را مقیده ارزیابی می‌کند.

«محض حفظ احکام الیه عَزَّ اسمه و ضروریات دینیه از دسیسه و تغیر مفترضین و مبدعين، لازم است این معنی را به لسان واضحی که هر کس بفهمد اظهار داریم که مشروطیت دولت عبارت اخراجی از تحديد استیلا و قصر تصرف مذکور به هر درجه که ممکن و به هر عنوان که مقدور باشد از اظهار ضروریات دین اسلام، و منکر اصول وجودیش کائناً من کار در عداد منکر سایر ضروریات دینیه محسوب است، و فعال ما یشاء بودن و مطلق الاختیار بودن غیرمعصوم را هر کس از احکام

دین شمارد، لاقل مبدع خواهد بود.» (نامه ۴۲، سیاست‌نامه خراسانی / ۲۲۲-۲۲۲)

خراسانی اگرچه ولايت مطلقه معصوم را باور ندارد، اما با توجه به رأى مشهور بر وفاق آن، آن را بدعت نمى‌شمارد، اما اعتقاد به ولايت مطلقه غيرمعصوم چه فقيه و چه غيرفقيه را بدعت مى‌داند.

نوع دوم ولايت، ولايت عامه يعنى تصرف در حوزه عمومي در چهارچوب احکام شرع يا جواز تصرف در عامة امور مجاز شرعى. خراسانى برای پیامبر(ص) و ائمه(ع) چنین ولايتى قائل است. او برای هیچ غيرمعصومى ولايت عامه قائل نىست. وى معتقد است که اذله شرعى از اثبات ولايت عامه فقيه عاجز است.

نوع سوم ولايت، ولايت در امور حسيبيه است. مراد از امور حسيبيه امورى است که در هیچ شرائطى نباید ترك شود و انجام آن از سوی هر يك از مكلفين تكليف را از يقيه ساقط مى‌کند و ترك آن به معنای ارتکاب معصیت هعگانى است. اکثر فقها به ولايت فقيه در امور حسيبيه قائلند که از آن به اختیارات حاكم شرع تعبير مى‌شود خراسانى در حوزه امور حسيبيه دو قول متفاوت دارد. در آثار متقدمش پس از اشكال در دلالت تمامی ادله برس ولايت استقلالي و غيراستقلالي فقيه همانند ديگر منکران ولايت فقيه تصریح مى‌کند:

«در دلالت اين ادله برس ولايت استقلالي و غيراستقلالي فقيه اشكال است، اما اين ادله باعث مى‌شوند که در ميان کسانى که احتمال اعتبار مباشرت يا اذن يا نظرشان مى‌رود، فقيه قدر متيقن باشد، آنچنانکه در فقدان فقيه، مؤمن عادل قدر متيقن افراد جاييز التصرف است.» (تعليقات مکاسب،

شماره ۱۳، سیاست‌نامه خراسانی / ۶۵)

معنای فنى عبارت فوق جواز تصرف فقيه در امور حسيبيه از باب قدر متيقن است نه ولايت فقيه در امور حسيبيه. تصرف در امور حسيبيه از باب ولايت با اخراج مصلحت مؤلى عليهم مجاز است، اما جواز تصرف از باب قدر متيقن زمانى مجاز است که مستله به مستوای ضرورت و اضطرار رسیده باشد. بنابراین جواز تصرف از باب قدر متيقن اضيق از جواز تصرف از باب ولايت است. زمانی نوبت به جواز تصرف از باب قدر متيقن مى‌رسد که ادلله لفظيه در اثبات ولايت قادر باشند. هرچند بنابر آن حداقل تقدم فقيه بر غيرفقيه در حوزه امور حسيبيه قابل اتساب است. برخى فقيهان معاصر همانند سيدمحسن حكيم، سيد احمد خوانسارى و سيد ابوالقاسم خويى با انکار مطلق ولايت فقيه، جواز تصرف فقيه از باب قدر متيقن را در امور حسيبيه پذيرخته‌اند. (نظريه‌های دولت در فقه شيعه)

قول دوم. خراسانی در رأی متاخرش قدموی به پیش می‌نهد و با تردید در اجرای اصل عملی از باب قدر متین، بجای اینکه امور حسبيه را به فقهاء بسپارد، یا آنها را بر دیگران متقدّم بدارد، متصدی آنرا عقلای مسلمین و ثقات مؤمنین معرفی می‌کند:

«باز نظر به مصالح مکونه باید مطویات خاطر را لمصلحة الوقت کتمان کرد، و موجزاً تکلیف فعلی عامه مسلمین را بیان می‌کنیم که موضوعات عرفیه و امور حسبيه در زمان غیت به عقلای مسلمین و ثقات مؤمنین مفوّض است، ومصدق آن همین دارالشورای کبری بوده که به ظلم طغات و عصات جبراً منفصل شد» (نامه ۴۰، سیاست‌نامه خراسانی / ۲۱۷)

خراسانی یا نفی ولایت فقهاء در امور حسبيه، مطلقاً به ولایت فقیه قائل نیست. با تفحص در آراء فقهاء و از زمان طرح ولایت فقیه به عنوان یک مستله فقهی، خراسانی نخستین فقیهی است که ولایت فقیه را در تعامی مراتبیش حتی در امور حسبيه انکار کرده و ولایت بر مردم را (مقید به احکام شرع) منحصر در حضرات معصومین دانسته است. دومین ابتکار خراسانی در این زمینه گسترش و توسعه حوزه امور حسبيه از اموری از قبیل سرپرستی افراد بی‌سرپرست به اموری در قوارة مجلس شورای ملی است یعنی ارتقای امور حسبيه به حوزه امور عمومی و سیاسی. او در این توسعه پیشگام است. سومین ابتکار خراسانی در اینجا قائل نشدن به تقدّم فقهاء یا حق ویژه فقهیان است، چه از باب ولایت و چه از باب جواز تصرف بواسطه قدر متین. لذا می‌توان گفت خراسانی منکر حق ویژه فقهاء در حوزه عمومی است، چه از باب ولایت (در هر سه مرتبه ولایت مطلقه، ولایت عامه و ولایت در امور حسبيه) و چه از باب قدر متین در جواز تصرف در امور حسبيه، معنای این سخن انکار مطلق ولایت فقیه و انکار مطلق تقدّم فقهاء در حوزه عمومی است. خراسانی نه تنها در اسلاف خود بلکه تا حدود یک قرن بعد حتی در اختلاف خود در این مستله منحصر بفرد است:

آخوند خراسانی در میان فقهیان شیعه کمترین حق ویژه را در حوزه عمومی بزای فقهیان قائل است. او درست نقطه مقابل آیت الله خمینی است که در میان فقهیان شیعه بیشترین حق ویژه را در حوزه عمومی برای فقهیان قائل است، یعنی ولایت مطلقه با همان اختیارات پیامبر(ص) و امام(ع) در حوزه عمومی فراتر از احکام شرعی متعارف. (صحیفه نور ۱۷۰/۲۰)

مستله ولایت فقیه یکی از اختلافات عمیق نظری خراسانی و نائینی است، بر عکس خراسانی که مطلقاً منکر ولایت فقیه است و در مجموع هر نوع حق ویژه‌ای را در حوزه

عمومی برای فقهاء منکر است، نائینی به ولايت فقيه قائل است. از نائینی دو قول در باره قلمرو ولايت فقيه به يادگار مانده است: قول اول: نياپت فقيه در امور حسبيه (تببيه الامه ۴۶/۱۵، ۷۹ و ۹۸) او به تبعيت از خراساني امور حسبيه را از مصاديق مضيق سنتی به عرصه عمومي و حوزه سياسي ارتقا و گسترش داده است. نائيني اگرچه نياپت فقهاء را با تمسك به قدر متيقن اثبات کرده، اما به هر حال مشروعیت دولت مشروطه را متوقف بر اذن مجتهد می‌داند (پيشين ۷۹/)

قول دوم: تردید بين ولايت فقيه در امور حسبيه و ولايت عامه، بيشن از اولی و كمتر از دومی، در دو تقرير درس مکاسب نائینی که ربع قرن پس از تببيه الامه به رشتة تحریر درآمده است در يکی می‌گويد «مقبولة عمرین حنظله بهترین دليل برای اثبات ولايت عامه فقيه است» (محمدتقی آملی، تعلیقة على المکاسب، ۳۳۵۳۳۶/۲) اما در ديگری تصریح می‌کند: «در مجموع اثبات ولايت عامه برای فقيه بحیثی که اقامه نماز جمعه و نصب امام جمعه پر وی متیناً واجب شود، مشکل است.» (موسی نجفی خوانساری، منه الطالب، ۳۲۵/۱) به هر حال نائینی در هر دو رأی متقدم و متاخرش به اولویت قطعی فقيه بر غیرفقیه در حوزه عمومی و امور سياسي قائل است، و اين اولویت (چه از باب قدر متيقن در جواز تصرف يا از باب ولايت) را از قطعيات مذهب امامیه می‌داند، بعلاوه باتوجه به وسعت امور حسبيه در نظر نائيني، به لحاظ سياسي فرقی بين اينکه وی را قائل به ولايت عامه يا ولايت در امور حسبيه بداييم به نظر نمی‌رسد.

اما شیخ اسماعیل محلاتی در انکار ولايت فقيه با آخوند خراسانی همداستان است (الثانی المریوطه، رسائل مشروطیت ۵۱۷). از سوی ديگر شیخ فضل الله نوری به ولايت فقيه در امور حسبيه (به معنای مضيق سنتی آن) قائل است و يقيناً به ولايت مطلقه فقيه و ولايت عامه فقهاء (به معنای سلطنت بالمبادره فقيه يا سلطنت ماذون از جانب فقيه) قائل نیست. حکومت مشروعه مورد نظر مخالفان مشروطه هرگز به معنای سلطنت بالمبادره فقيه يا ولايت فقيه نبوده است. به هر حال در میان فقيهان مشروطه خواه در مجموعه سه دیدگاه درباره ولايت فقيه به چشم می‌خورد:

اول، ولايت فقيه در امور حسبيه اما با تعبيری موسع از امور حسبيه که شامل حوزه عمومی و سياسي هم می‌شود. اما هيچیک از فقهاء ولايت بالمبادره فقيه در حوزه عمومی را قائل نشده

و تنها از لزوم اذن فقیه در حوزه عمومی سخن گفته‌اند. نائینی شاخص‌ترین نماینده این آندیشه است و تتبیه الامة بهترین حاکی آن.

دوم، جواز تصرف فقیه در امور حسبيه از باب قدر متيقن، رأى متقدم خراساني در حاشية مکاسب که به موجب آن اختیار فقیه در امور حسبيه کمتر از ولايت فقیه است، اما نتیجه آن تقدیم فقیه بر دیگر مردم در برخورداری از حقوق ویژه است.

سوم: نفی مطلق ولايت فقیه و نفی تقدیم فقیه در امور حسبيه (به معنای موسوع شامل حوزه عمومی) و به رسميت شناختن حق جمهور مردم، عقلای مسلمین و ثقات مؤمنین در امور حسبيه. این رأى متاخر، نظر نهایی و مبنای شرعی دیدگاه سیاسی آخوند خراسانی است.

این قسمت بحث را با عبارت تاریخی آخوند خراسانی و دو مجتهد همراهش میرزا محمدحسین طهرانی و شیخ عبدالله مازندرانی به پایان می‌برم:

«داعیان نیز بر حسب وظیفة شرعیه خود و آن مسئولیت که در پیشگاه عدل الهی به گردن گرفته‌ایم، تا آخرین نقطه در حفظ مملکت اسلامی و رفع ظلم خائن از خدا بی خبر و تأسیس شریعت مطهّره و اعاده حقوق مخصوصه مسلمین خودداری ننموده، در تحقق آنچه ضروری مذهب است که حکومت مسلمین در عهد غیبت حضرت صاحب الزمان (عجل الله فرجه) با جمهور مسلمین

است حتی الامکان فروگذار نخواهیم کرد و عموم مسلمین زا به تکلیف خود آگاه ساخته و خواهیم ساخت.» (نامه ۳۴، سیاست‌نامه خراسانی / ۲۰۷)

دیگر ممیزات آندیشه سیاسی خراسانی از قبیل حقوق مردم، نسبت دین و سیاست، جایگاه فقاهت در تقین و قضاویت، مبانی شرعی استقلال، حدود آزادی بیان و عقیده، عبرت تاریخی، مسلمانان و غرب از حوصله این مقدمه بیرون است و مفصلًا در کتاب «مکتب سیاسی خراسانی» مورد بحث قرار خواهد گرفت. به نظر می‌رسد ارائه همین چند نمونه برای ضرورت پرداختن به تدوین «سیاست‌نامه خراسانی» کافی باشد.

بخش دوم: فهرست آثار خراسانی

این فهرست نه تنها بر اساس مطالعه کتب تراجم علمای قرن چهاردهم، بلکه علاوه بر آن با مشاهده خود آثار و تفحص در فهرست نسخ خطی بدست آمده است. کوشیده‌ایم تا زمان نگارش هر اثر را بیاییم. آثار را به دو دسته تقسیم کرده‌ایم. دسته اول، آثار منتشر شده و دسته دوم، آثار منتشر نشده.

یک: فهرست آثار منتشر شده خراسانی

مراد از انتشار، چاپ سنگی و چاپ سربی و چاپ مصحح است. در چاپهای مصحح کیفیت تصحیح نیز مختصرأ بررسی خواهد شد. این فهرست حتی الامکان بر اساس زمان نگارش مرتب شده است.

۱. در الفوائد فی الحاشیة علی الفرائد (hashiyat ar-risālah)

خراسانی بر فرائد الاصول (رسائل) استادشن شیخ مرتضی انصاری دو حاشیه دارد، حاشیه قدیم یا مختصر، و حاشیه جدید یا مبسوط، تاریخ نگارش بخشهای مختلف حاشیه رسائل به قرار زیر است:

الف: حاشیه بر مباحث قطع و ظن، شوال ۱۳۰۲

ب: حاشیه بر مبحث برائت و اشتغال، جمادی الآخر ۱۲۹۵. ظاهراً خراسانی بر این مبحث یک بار بیشتر حاشیه نزد است.

ج: حاشیه بر مبحث استصحاب، رجب ۱۳۰۵.

د: حاشیه بر مبحث تعادل و تراجیح، ذیحجه ۱۲۹۱. ظاهراً خراسانی بر این مبحث نیز یک بار بیشتر حاشیه نزد است.

دوره حاشیه خراسانی بر رسائل با تاریخهای فوق برای نخستین بار در زمان حیات محسنی در سال ۱۳۱۵ همراه فوائد الاصول وی به شیوه چاپ سنگی منتشر شد. این نسخه پس از آن بارها چاپ شده و رایج‌ترین و متأسفانه در میان چاپهای سنگی مغلوط‌ترین آنهاست. در سال ۱۳۱۸ نسخه دیگری از درالفوائد چاپ سنگی شد که در میان همه نسخه‌های منتشر شده حاشیه رسائل بهترین آنهاست. آخرین چاپ سنگی درالفوائد در سال ۱۳۱۹ منتشر شده است.

در سال ۱۴۱۰ درالفوائد فی الحاشیة علی الفرائد با تصحیح سید مهدی شمس الدین از سوی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در تهران منتشر شده است. در این تصحیح اولًا: علاوه بر حاشیه جدید، حاشیه قدیم بر مبحث قطع و ظن – نگاشته شده پیش از رمضان ۱۲۹۱ – در انتهای کتاب منتشر شده، ثانیاً: نسخ به خط و تصحیح محسنی مورد استفاده قرار نگرفته و در مجموع نسخ موردن اعتماد مصحح نسخ کامل و مصححی نبوده‌اند. ثالثاً: اغلاط فاحشی در تصحیح و تحقیق کتاب راه یافته، به میزانی که کتاب را از حیز اتفاق ساقط کرده است و تضییع کتاب محسوب می‌شود نه تصحیح. (رجوع کنید به عبدالله علوی، نقد تصحیح حاشیه آخوند

بر رسائل، دو ماه نامه آئینه پژوهش، قم، بهمن و اسفند ۱۳۶۹، سال اول، شماره پنجم، صفحه (۴۹-۴۲)

۲. فوائد الاصول (الفوائد الاصولیة)

فوائد الاصول مشتمل بر ۱۳ بحث اصولی و ۲ بحث فقهی است که هریک تحت عنوان فائدہ مطرح شده است. فوائد پائزدہ گانه فوائد الاصول عبارتنداز:

۱. صیغ الامر والنهی و غيرها، ۲. اتحاد الطلب والاراده، ۳. الاخلال بذکرالاجل فی المتعة،
۴. صلح حق الرجوع، ۵. استعمال اللفظ فی اکثر من معنی، ۶. تقدّم الشرط علی المشروط،
۷. المثبت حقيقة فی من تلبیس، ۸. الشبهة المحصورة، ۹. معنی المتعارضین، ۱۰. وجوب اتباع الظهور، ۱۱. معنی المتزاحمين، ۱۲. التمسك بالمعطقات، ۱۳. المدح والذم فی الافعال، ۱۴. الملازمة بين العقل والشرع، ۱۵. اجتماع الامر والنهی.

تاریخ نگارش فوائد الاصول رجب ۱۳۰۱ است. و برای نخستین بار منضمًا به حاشیه فرائد الاصول در ۱۳۱۵ چاپ سنگی شده است. این کتاب در سال ۱۳۱۸ با نظرات مصنف تجدید چاپ سنگی شده و بهترین چاپ آن محسوب می‌شود. در سال ۱۴۰۷ فوائد الاصول با تصحیح سید مهدی شمس الدین توسط انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در تهران منتشر شده است. این تصحیح نیز همانند تصحیح قبلی آکنده از اغلات فاحش و غير قابل استفاده است. (رجوع کنید به مقاله نقد تصحیح فوائد الاصول آخوند خراسانی، مجله حوزه، قم، ۱۳۶۷، سال پنجم، شماره اول، صفحه ۱۴۷-۱۷۱)

۳. الحاشیة علی المکاسب (التعليق على المكاسب)

آخوند خراسانی بر بخش‌های بیع و خیارات کتاب مکاسب استاد خود شیخ مرتضی انصاری حاشیه زده است. تاریخ پایان کتابت این دو حاشیه به ترتیب دهه دوم ربیع الثانی ۱۳۱۸ و ۱۹ محرم ۱۳۱۹ است. حاشیة مکاسب در تهران چاپ سنگی شده است. این کتاب در سال ۱۴۰۶ با تصحیح سید مهدی شمس الدین در تهران توسط انتشارات وزارت ارشاد اسلامی منتشر شده است. متأسفانه هیچیک از این دو چاپ قابل اعتماد نبوده آکنده از اغلات است.

۴. تکملة التبصرة

«تبصرة المتعلمين فی احکام الدین» از موجزترین و رایج‌ترین کتب فقهی شیعه نوشته علامه حلی (متوفی ۷۲۶) است. آخوند خراسانی تبصره را مطابق فتوای فقهی خود ویرایش کرده، مسائلی را به آن افزوده، و آنرا تکملة التبصرة نامیده است. تکمله حاوی یک دوره کامل فقه

فوایی از اول طهارت تا آخر دیات می‌پاشد. تکملة التبصرة در سال ۱۳۲۸ یک سال قبل از وفات مصطفی در تهران در ۱۷۲ صفحه چاپ سنگی شده است.

خراسانی تدوین یک دوره کامل فقه استدلای را با شرح تکملة التبصرة آغاز کرد. و آنرا «اللمعات النيرة في شرح تکملة التبصرة» نامید. از اللمعات شرح کتاب الطهارة و کتاب الصلاة (تا بحث مکان المصلى) به رشته تحریر آمده است.

سید حسن بن محمد باقر موسوی قزوینی حائری مشهور به حاج آقا میر از شاگردان آخوند نیز کتاب استاد خود را بنام «اکمال الدین فی شرح تکملة تبصرة المتعلمين» شرح کرده، موفق به نگارش کتب طهارت، خمس، وقف و طلاق شده است (الذریعه ۴۱۲/۴، ۱۰۴/۱۱، ۱۵۱/۱۳)

۵. قطرات من يراع بحر العلوم او شذرات من عقدها المنتظوم
در ذیقعدة ۱۳۳۱ دو سال پس از وفات آخوند خراسانی، محمد مهدی کاظمی (متوفی ۱۳۴۳) مجموعه‌ای از آثار فقهی استاد خود را تصحیح و در بغداد منتشر کرد. قطرات حاوی کتب و رسائل زیر است:

۱. كتاب الوقف
۲. كتاب الرضاع
۳. كتاب الدماء الثلاثة
۴. كتاب الطهارة من كتاب «اللمعات النيرة في شرح تکملة التبصرة»
۵. كتاب الصلوة الى المكان من الكتاب السابق

علاوه بر پنج کتاب فوق، سه رساله ناتمام خراسانی نیز در این مجموعه آمده است:

۱. كتاب الفراق (الطلاق)
۲. رسالة في العدالة
۳. رسالة في الرهن

کتاب به شیوه چاپ سربی فاقد پاراگراف بندی است. شماره صفحات در پنج کتاب اول در هر کتاب از یک شروع می‌شود. کتاب چهارم با مشخصات زیر تجدید چاپ شده است:
اللمعات النيرة في شرح تکملة التبصرة، تحقيق سید صالح مدرسی، قم، مرصاد، ۱۴۲۲.
شیخ محمد مهدی بن حسین خالصی کاظمی مصحح و ناشر قطرات، یک سال پس از انتشار آن، تعلیقات خود را بر رسائل فقهی آخوند با عنوان «الدراری الامعات فی شرح

القطرات و الشذرات» (بغداد، ١٣٣٢) منتشر کرده است.

۶- کفاية الاصول

مهتمرين تأليف آخوند خراساني کفاية الاصول است، تا آنجا که بواسطه آن وي راصاحب کفايه می خوانند و از زمان تأليف در ١٣٢١ تا امروز بالاترین كتاب درسی علم اصول در حوزه های علمیه شیعه و محور دروس خارج علم اصول بوده است. کفايه در زمان حیات مؤلف سه بار (دوبار چاپ سنگي و يك بار چاپ سربی) منتشر شد. پس از آن نيز بارها با حواشی شاگردان مصنف منتشر شده است که از آن میان می توان به چايهای زیر اشاره کرد:

۱. کفاية الاصول با حواشی ميرزا ابوالحسن مشكيني (متوفى ١٣٦٥)، تهران ١٣٦٤ در دو جلد در زمان حیات محسني (چاپ سنگي).

۲. کفاية الاصول با حواشی شیخ علی قوجانی در يك جلد (چاپ سنگي).
۳. حقائق الاصول، حواشی سید محسن حکیم بر کفايه همراه با متن آن در دو جلد.
۴. منتهی الدراية في توضيح الكفاية، تأليف محمد جعفر موسوي جزائری مرّوج در ٨ جلد که در فاصله سالهای ١٣٨٧ تا ١٤١٢ در نجف و سپس در قم منتشر شده است.

کفاية الاصول در سال ١٤٠٩ با تحقیق مؤسسه آل البيت عليهم السلام لاحیاء التراث در قم و در سال ١٤١٢ با تحقیق مؤسسه نشر اسلامی (جامعة مدرسین حوزه علمیه قم) منتشر شده است، و سه تصحیح اخیر از کفايه در مجموع بهترین تصحیحها در میان آثار منتشر شده خراساني به شمار می روند.

۷- رساله های عملیه

از آخوند خراساني رساله های عملیه زیر منتشر شده است:

۱. روح الحیة في تلخیص نجاة العباد، رساله عملیه منتشره در سال ١٣٢٧ در بغداد.
۲. ذخیرة العباد في يوم المعاد، رساله عملیه فارسي، چاپ اول در بمبئي، چاپ دوم در تهران ١٣٢٩.

۳. الربانية، رساله فارسي در احکام ربا، مولی هاشم بن محمد علی خراساني طبق فتاوی اخوند خراساني و سید اسماعيل صدر در ١٣١٨ منتشر کرده است (الذریعه ٦٧/٣).

علاوه بر این خراساني بر رسائل عملیه فقهای قبل از خود نيز حاشیه زده است و اين رسائل عملیه با حواشی خراساني و ديگر فقهای معاصر وي منتشر شده است:

۱. المتأجر او المعاملات، رساله عملیه فارسي وحيد بهبهاني آقا محمد باقر بن مولی اکمل

- متوفی ۱۲۰۵ (الذریعه ۵۹/۱۹).
۲. نجاة العبادی یوم المعاد، شیخ محمد حسن نجفی صاحب جواهر (متوفی ۱۲۶۶)، نسخه‌ای از چاپ سنگی آن در کتابخانه آستان قدس رضوی موجود است.
۳. صراط النجاة، شیخ مرتضی انصاری.
۴. نخبة، محمد ابراهیم بن محمد حسن کلباسی اصفهانی.
۵. وسیلة النجاة، ملا محمد فضل علی فاضل شرابیانی.
۶. منهج الرشاد، شیخ جعفر شوشتری.
۷. ترجمة نجاة العباد، شیخ العراقيین عبدالحسین بن علی (متوفی ۱۲۸۶)، از ۱۳۲۲ مکرراً با حواشی آخوند منتشر شده است (الذریعه ۱۴۲/۴).
۸. زينة العباد، رساله عملیه فارسی در طهارت و صلوة، شیخ زین العابدین مازندرانی حائزی، در ۱۳۲۳ با حواشی آخوند منتشر شده است (الذریعه ۹۳/۱۲).
۹. مجمع المسائل وفتاوی فارسی، محمد حسن شیرازی و جمله‌ای از اعلام، از چاپ دوم حاوی فتاوی آخوند، چاپ سوم ۱۳۳۱.
۱۰. مجمع الرسائل، فتاوی فارسی جمله‌ای از اعلام (از جمله آخوند)، منتشره در ۱۳۳۱ در تهران (الذریعه ۳۰/۲۰).
۸. لوایح و تلگرافها
- از آخوند خراسانی از سال ۱۳۱۷ منفردآ و گاه همراه با دو مرجع بزرگ دیگر نجف شیخ محمد حسین طهرانی نجل میرزا خلیل (متوفی ۱۳۲۶) و شیخ عبدالله مازندرانی (متوفی ۱۳۳۰)، یا همراه با مازندرانی (از شوال ۱۳۲۶)، و در ۱۳۲۹ با دیگر مراجع نجف منتشر شده است. متن کامل این لوایح و تلگرافها در روزنامه‌های همان دوران یا کتب گزارشگر عصر مشروطه منتشر شده است. این منابع را به چهار دسته می‌توان تقسیم کرد:
- اول: جرائد فارسی زبان منتشره در خارج از ایران
۱. حلیل المتنی، کلکته، مدیر: جلال الدین حسینی مؤید الاسلام، ۱۳۱۱ تا ۱۳۴۸. این هفتنه‌نامه بویژه در نیمة اول عمرش معتبرترین، پر تیراژترین و نافذترین جریده فارسی زبان دوران خود است.
۲. شمس، استامبول، مدیر: سید حسن تبریزی، شعبان ۱۳۲۶ تا ذیقعده ۱۳۲۸.

۳. حکمت، قاهره، از ۱۳۱۰.
۴. الفری، نجف، آقا محمد محلاتی (فرزند شیخ محمد اسماعیل محلاتی)، ۱۸ ذیحجه ۱۳۲۷ تا ۱۸ صفر ۱۳۲۸، و سپس «درّة نجف» از ۲۰ ربیع الاول تا ۱۰ ذیقعدة ۱۳۲۸.
۵. نجف، مدیر مسئول حاج محمد بن حاج حسین، ۱۳۲۸، این هفته‌نامه معتبرترین جریده نجف در عصر آخوند است.
۶. ثریا، قاهره، فرج الله حسینی کاشانی، از ۱۳۱۶.
- دوم: جرائد منتشره در تهران
۷. روزنامه مجلس، مدیر مسئول: سید محمد صادق طباطبائی (فرزند سید محمد طباطبائی) و از سال چهارم شیخ یحیی کاشانی، از ۸ شوال ۱۳۲۴ تا ۲۷ جمادی‌الثانی ۱۳۳۰، از مهمترین منابع عصر مشروطه.
۸. حبل المتنین، یومیه، مدیر: سید حسن کاشانی (برادر مؤید‌الاسلام)، از ۱۵ ربیع الاول ۱۳۲۵ تا ۱۴ ربیع الاول ۱۳۲۷. روزنامه روزانه ایرانی که به مدت سه سال در تهران و در دوران استبداد صغیر در رشت منتشر شده است و نخستین روزنامه توقيف شده پس از مشروطیت است.
۹. صور اسرافیل، میرزا جهانگیر خان شیرازی، ۱۷ ربیع الاول ۱۳۲۵ تا ۱۵ صفر ۱۳۲۷.
- میرزا جهانگیر در ۴ جمادی‌الاول ۱۳۲۶ به همراه ملک‌المتكلّم در یاغشه بدنستور محمد علی شاه به اتهام دفاع از مشروطیت و آزادگی اعدام می‌شود.
۱۰. صبح صادق، مرتضی خان مؤید‌الاسلام، ۱۳۲۴-۱۳۲۵.
۱۱. ندای وطن، مجدد‌الاسلام کرمانی، ۱۳۲۴-۲۷.
۱۲. روزنامه شیخ فضل الله نوری، ۱۳۲۵-۲۶.
۱۳. کوکب دری، محمد ناظم‌الاسلام کرمانی، ۱۳۲۵-۲۶.
۱۴. ایران نو، ارگان حزب دمکرات ایران، مدیر: محمود شبستری آذری‌ایجانی ابوالضیاء، ۷ شوال ۱۳۲۷ تا ۲۶ ذیحجه ۱۳۲۹.
۱۵. استقلال ایران، ارگان حزب اتحاد و ترقی
۱۶. نجات، محمد خراسانی، ۱۳۲۷
۱۷. روزنامه صورت مذاکرات مجلس
۱۸. روزنامه رسمی، حاوی خلاصه مذاکرات دوره اول و مشروح مذاکرات دوره

دوم مجلس شورای ملی به بعد، منتشره از اول خرداد ۱۳۲۵ هجری شمسی به بعد.

سوم: جرائد منتشره در شهرستانها

۱۹. انجمن (جريدة ملی، روزنامه ملی)، ارگان انجام ایالاتی آذربایجان (انجمن ملی تبریز)، مدیر میرزا علی‌اکبر خان وکیلی (محمد غنی‌زاده، محمد معین التجار)، ۱ رمضان ۱۳۲۴ تا ۹ جمادی‌الاول ۱۳۲۷. انجمن مهمترین جريدة شهرستانها و يكى از مهمترین جراید ایران در عصر مشروطیت است.

۲۰. مظفری، بوشهر، میرزا علی آقا شیرازی، ۱۳۱۹-۱۳۲۶

۲۱. خورشید، مشهد، محمدصادق تبریزی، ۲۱ محرم ۱۳۲۵ تا ۱ صفر ۱۳۲۶

۲۲. مساوات، تبریز، محمد رضا مساوات شیرازی، ۱۳۲۷

۲۳. نسیم شمال، رشت، اشرف حسینی، ۲ شعبان ۱۳۲۵ تا ۱ ذی‌قعدة ۱۳۲۹

چهارم: کتب تاریخ مشروطیت

۱. تاریخ بیداری ایرانیان، محمد ناظم‌الاسلام کرمانی (متوفی ۱۳۳۷) شامل وقائع ۲۲ ذی‌حججه ۱۳۲۲ تا ۱۲ ربیع‌الاول ۱۳۲۷. بخش اول آن به صورت پاورقی در هفته‌نامه کوکب دری منتشر شده است.

۲. حیات‌الاسلام فی احوال آیة‌الملک العلام، سید محمد حسن نجفی قوچانی، آقا نجفی مؤلف کتب سیاحت شرق و سیاحت غرب و از شاگردان آخوند این کتاب را در شرح احوال استادش در سنه ۱۳۳۰ در نجف منتشر کرده است.

۳. واقعات اتفاقیه در روزگار، محمد مهدی شریف کاشانی، تاریخ اتمام نگارش ربيع‌الاول ۱۳۳۳

۴. تاریخ مشروطیت ایران، احمد کسری، احمد کسری، ۱۳۱۹

۵. تاریخ هجده ساله آذربایجان، احمد کسری، احمد کسری، ۱۳۱۳

۶. تاریخ انقلاب مشروطیت ایران، مهدی ملک‌زاده، ملک‌زاده، ۱۳۲۸-۱۳۳۵

۷. حیات یحیی، یحیی دولت‌آبادی، ۱۳۲۱

در فهرست فوق تنها از جراید و کتبی یاد کردیم که بیش از پنج لایحه و تلگراف آخوند خراسانی را گزارش کرده‌اند.

دو. فهرست آثار منتشر نشده خراسانی

در این قسمت به نام اثر، مشخصات نسخه خطی یا منبع ذکر اثر به اختصار اشاره می‌کنیم.

۱. تحریرات فی الاصول

تقریرات آخوند خراسانی از دروس اصول اساتیدش، گویا شیخ انصاری، از اول نواحی تا آخر محمل و مبین، تاریخ نگارش ۶ شوال ۱۲۷۸ در نجف و مفصل‌تر از کفاية. نسخه اصل (به خط آخوند) به شماره ۱۴۱۸۷ در کتابخانه مجلس موجود است.

۲. حاشیة الفرائد القديمة

ظاهراً اولین تأليف غیر تقریری آخوند، حاشیه بر فرائد الاصول (رسائل) استادش شیخ انصاری است. تاریخ نگارش حواشی بر بخش‌های مختلف رسائل به این قرار است: ۱. مبحث قطع و ظن: بیش از رمضان ۱۲۹۱ ۲. مبحث استصحاب ۶ محرم ۱۲۹۴ آنچنانکه گذشت مرحوم آخوند بر مباحث برائت و اشتغال و تخيیر، و تعادل و تراجیح ظاهراً یک بار به ترتیب در تاریخهای جمادی الثاني ۱۲۹۵ و ذی‌حججه ۱۲۹۱ حاشیه زده است. با توجه به مباحث گذشته تنها حاشیه قدیمة استصحاب مطلقاً چاپ نشده است و ظاهراً نسخه‌ای از آن به شماره ۲۵۵۲/۳ در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است. (رجوع کنید به فهرست کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، ۱۳۴۵/۹).

۳. حاشیة على اسفار صدرالمتألهين (اعيان الشيعه)

۴. حاشیة على منظومة السبزواری (اعيان الشيعه)

۵. شرح لاوائل الخطبة الاولى من نهج البلاغه، از قوله (ع): «اول الدين معرفته و كمال معرفته التصديق به» (الذریعه ۱۴۴/۱۴، ۲۱۷/۱۳).

۶. رسالة في مسئللة الاجاره، لم تكمل (اعيان الشيعه)، كتاب الاجاره (الذریعه ۱۲۲/۱).

۷. حاشیة على ابانت المختار في ارث الزوجة من ثمن العقار بعد الاخذ بال الخيار، شیخ الشریعة المیرزا فتح الله بن محمد جواد (الذریعه ۷۹/۱).

۸. حاشیة على العنی الجنی في قاعدة الغرر في البيع وغيره، للشيخ على بن فضل الله مازندرانی الحائری متوفی ۱۳۳۷ (الذریعه ۳۵۲/۱۵).

۹. تقریرات دروس فقه و اصول

دروس خارج فقه آخوند را جمعی از شاگردان فاضل او به نگارش در آورده‌اند. آنچه از این تقریرات در الذریعه ثبت شده است به قرار زیر است:

۱. تقریرات القضاياء، به قلم میرزا محمد آقازاده نجفی دومین فرزند آخوند خراسانی متولد

نیمه شعبان ۱۲۹۴ در نجف و متوفی ۱۳۵۶ ذیقعدة در تهران و مدفون در حرم حضرت عبدالعظیم، در ۱۵ محرم ۱۳۲۵ به دریافت اجازه اجتهاد از آخوند نائل آمد و در همان سال به امر پدر به خراسان رفت و در مشهد رضوی اقامت گزید و به تدریس خارج فقه و اصول پرداخت و مرجع دینی و سیاسی و شخصیت اول خراسان در زمان خود محسوب می‌شد. علاوه بر قضا و شهادات، تقریرات مبحث الفاظ والد ماجدش را نیز به رشتہ تحریر درآورده و بر کفایه نیز تعلیقه زده است. در واقعی مسجد گوهرشاه به دستور رضا شاه به تهران تبعید شد و تا آخر عمر تحت الحفظ زیست.

تاریخ تدریس قضای آخوند قبل از ۱۳۲۵ و زمان نگارش تقریرات به قرینه سطور آغازین آن زمان حیات آخوند یعنی قبل از ۱۳۲۹ است. تقریرات القضا شامل یک مقدمه و سه موضع است:

الموضع الاول فی الصفات المعتبرة فی القاضی، الموضع الثانی فی آداب القضا، الموضع الثالث فی بیان کیفیة مجلس العکم. از این تقریرات با ارزش حداقل سه نسخه خطی در دست است:

اول. نسخة خطی شماره ۲۷۳ ج کتابخانه دانشکدة حقوق دانشگاه تهران، تقریرات القضا و لواحچه (با رمز ح)

دوم. نسخة خطی شماره ۱۱۵۱ مجموعه مشکوک کتابخانه دانشگاه تهران، تقریرات القضا (با رمز ت)

سوم. نسخة خطی شماره ۱۳۱۶۹ کتابخانه مجلس شورای اسلامی، تقریرات الفقه (با رمز م)

۲. تقریرات الطهارة (الى آخر الدماء)، الخمس، الوقف، الرهن، الطلاق و القضاء (من بحث التداعی الى آخره)، به قلم سید حسن بن محمد باقر موسوی تزوینی حائزی فرزند سید ابراهیم صاحب «الضوابط» و نویسنده اكمال الدين فی شرح تکملة تبصرة المتعلمين متولد ۱۲۹۶.

۳. تقریرات الدماء الثلاثة، الخمس، الرهن، الطلاق، اللقطة و رسالة فی قاعدة لا ضرر و الرسالة الرضاعیة، به قلم سید محمد صادق بن سید محمد باقر حجت طباطبائی حائزی متوفی ۱۳۳۷ (الذریعه ۳۷۷/۴، ۱۱/۱۷، ۱۹۱/۱۱)

۴. تقریرات الطهارة، الخمس، الزکاة، الرضاع، الطلاق، الوقف، القضاء و منجزات المريض، به قلم شیخ محمد صالح بن میرزا افضل الله مازندرانی متولد ۱۲۹۷، (الذریعه ۳۷۷/۴)

٥. تقریرات الصلوٰۃ، به قلم میرزا محمد حسین قفقازی لنکرانی (الذریعه ۱۵/۵۶)
٦. تقریرات فی الفقه، به قلم شیخ عبدالمحمد بن شیخ حسن زائر دهام نجفی متوفی ۱۳۵۸ (الذریعه ۲۶/۲۹)
٧. کفاية الفقه (متعلق به العروة الوثقى)، سید محمد کاظم طباطبائی کوهکمری، دو جزء آن منتشر شده است. (الذریعه ۱۸/۹۵)
٨. تقریرات قاعدة لا ضرر ولا جهاد والتقلید، سید اسماعیل موسوی خلخالی آل هاشمی، (کتابخانه مجلس، نسخه خطی شماره ۱۴۵۱۵) دروس خارج اصول آخوند را جمع کثیری از شاگردان او به رشتہ تحریر در آورده‌اند، که جمعی از آنها در الذریعه ضبط شده است.

بخش سوم: مراد از آثار سیاسی

مراد از آثار سیاسی «سیاست مدن» در فلسفه عملی است و فارابی شاخص‌ترین نویسنده آن در میان مسلمانان، یا اندر زنامه‌هایی از جنس نصیحة الملوك غزالی در اهل سنت یا روضة الانوار عباسی نوشته ملا محمد باقر سبزواری (متوفی ۱۰۹۰) در شیعه، یا شریعت نامه‌هایی است از قبیل الاحکام السلطانية ماوردی یا فراء در اهل سنت و عائده فی ولایة الفقید در عوائد الایتم نراقی در شیعه. طبایع الاستبداد کواکبی در زمرة نخستین گامهای آشنایی مسلمانان با سیاست به مفهوم جدید آن است. در میان آثار فقهی اصولی آخوند خراسانی مباحثت زیر را می‌توان مباحثت سیاسی به حساب آورد:

اول: مباحثتی که مستقیماً به بحث از ولایت نسبی (ص) و المهد (ع)، ولایت فقیه و ولایت عدول مؤمنین می‌پردازد. چرا که یکی از شعب چنین ولایتی حداقل از زمان شیخ انصاری، زمامداری و حکمرانی و زعامت سیاسی است. این گونه مباحثت را می‌توان صریح‌ترین و مستقیم‌ترین مباحثت سیاسی در علم فقه شمرد.

دوم: بحث شرایط قاضی در کتاب القضاe. یا توجه به شباهت‌های ولایت قضایی با ولایت سیاسی و شباهت صفات قاضی با صفات ولی یا والی این گونه مباحثت را می‌توان دومین بخش از مباحثت سیاسی در علم فقه به حساب آورد.

سوم: بحث اجتهاد و تقلید، در این مبحث مهم اصولی شرائط مفتی و مجتهد، اقسام اجتهاد و

صلاحیت‌های مجتهد متوجهی، حوزه تقلید و ماهیت تقلید مورد مطالعه قرار می‌گیرد. این مباحث در قول به ولايت فقیه از يك سو و در بحث نقش فقهاء در جامعه اسلامی تأثیر بسزا دارد. پاسخ به سؤال کلیدی «آیا فقیهان در جامعه اسلامی از حقوق ویژه و امتیاز اجتماعی، سیاسی برخوردارند؟» در تفحص در مباحث سه گانه یاد شده یافت می‌شود و سیاست دینی بدون پاسخگویی به آن ممکن نیست.

چهارم: کتاب جهاد، مباحث احکام جنگ و صلح، غنائم و اسرای جنگی از جمله واضح‌ترین مباحث سیاسی در فقه است.

پنجم: امر به معروف و نهی از منکر، تکلیف شرعی در مواجهه با منکر فردی و اجتماعی، شیوه‌های اشاعه معروف در جامعه و وظیفة اجرای حدود از جمله مباحثی است که بار سیاسی می‌تواند داشته باشد.

ششم: مواضعی که از مناصب فقیه شمرده شده است، همانند امامت جموعه، حکم به رؤیت هلال در آغاز و پایان ماه رمضان و ماه ذی‌حججه، اولیاء عقد در غیاب پدر و جد پدری، اخذ خمس و زکات.

هفتم: مباحثی از کتاب وقف از قبیل نصب ناظر بر وقف از سوی واقف و توقيت در وقف. بواسطه شباهت با نظارت بر تقاضین و موقت بودن دوران زمامداری، این گونه مباحث نیز می‌تواند بار سیاسی داشته باشد، یا حداقل این گونه مباحث از کتاب وقف به حوزه سیاست فقهی سرازیر کرده است.

هشتم: از قواعد فقهی دو قاعدة لاضر و عدالت در بحث سیاست کاربرد فراوان دارد. هر چند در بحث از عدالت غالباً به عدالت فردی اکتفا می‌شود و عدالت اجتماعی مورد عنایت و بحث واقع نمی‌شود.

نهم: احکام دلیل عقل، ملازمة حکم عقل و شرع، حسن و قبح عقلی و مستقلات عقلیه از جمله مباحث اصولی است که می‌تواند زمینه ساز سیاستی عقلانی باشد، بویژه در آن مباحث سیاسی که از نگاه فقهی عقل مستقل در آن حکمی دارد. بی‌شک عالمان اخباری یا فقیهان معتقد به تضییق دائرة عقل از این مبحث طرفی نمی‌بندند، اما به میزانی که فقیه اصولی دائرة وسیع‌تری برای دلیل عقل قائل است حداقل به لحاظ نظری سیاسی‌تر خواهد اندیشید و به تبع به سیاست به معنای جدید آن نزدیک‌تر خواهد شد.

و بالاخره دهم: در آغاز قرن چهاردهم رواج صنعت تلگراف و چاپ روزنامه و اوراق

ژلائین در ایران و عراق عثمانی تسهیلاتی را در امر ارتباطات و اطلاع رسانی ایجاد کرد که پیش از آن هرگز متصور نبود. اخبار به سرعت رد و بدل می شد و احکام و نامه ها با شتاب واصل می شد. لوایح و تلگرافات بی شک سیاسی ترین بخش آثار آخوند خراسانی است، چرا که علاوه بر مباحث فلسفه سیاسی و فتاوای کلی فقهی برای نخستین بار اظهار نظر جزئی و مشخص درباره کلان ترین رخدادهای سیاسی و صدور حکم شرعی (در مقابل فتوای) در حوزه سیاست به عنوان «مقام ریاست روحانی شیعه» را شاهد هستیم، عنوانی که هرگز قبلًا سابقه نداشت. بی شک آخوند خراسانی و دو همراحت حاجی محمد حسین طهرانی نجل میرزا خلیل و شیخ عبدالله مازندرانی نخستین عالمان شیعی هستند که این همه حکم سیاسی صادر کرده‌اند. این میزان فعل و قول سیاسی بجا مانده در هیچ یک از علمای پیشین سابقه ندارد.

بخش چهارم: مشخصات مطالب این مجموعه

مطالب فقهی اصولی این مجموعه از ده کتاب منتشر شده کفاية الاصول، فوائد الاصول، درر الفوائد في الحاشية على الفرائد، حاشية المكاسب، تكملة التبصرة، قطرات من يراع بحر العلوم، حاشية صراط النجاة، مجمع الرسائل، سؤال و جواب، و حاشية نخبه از آثار آخوند خراسانی، و کتاب منتشر نشده تقریرات القضاة آخوند به قلم فرزندش شیخ محمد آقا زاده، و لوایح و تلگرافات آخوند از معتبرترین منابع دست اول از روزنامه‌ها و کتب منتشره در زمان حیات وی یا حداثت دو سال پس از وفات او گردآوری شده است.

به استثنای مطالب مأخوذه از کفاية الاصول، که تصحیح‌های منتشر شده آن مناسب تشخیص داده شد تمامی مطالب فقهی اصولی تصحیح مجدد شده‌اند چراکه متون منتشر شده آنها یا چاپ سنگی بوده‌اند، یا چاپ حروفی غیر مصحح یا تصحیحهای غیر استاندارد یا اصولاً تاکنون منتشر نشده‌اند. در تمام مواردی که نسخ خطی آثار در کتابخانه‌های ایران موجود بوده، تصحیح بر اساس این نسخ خطی صورت گرفته است.

در تحقیق متون، نشانی کلیه آیات، روایات و اقوال فقهی اصولی به دقت استخراج شده است و حتی الامکان اشارات غیر صریح آخوند نیز کوشش شده به طور شفاف تصریح شود. در موارد مشابه بین آثار مختلف آخوند، این موارد به یکدیگر ارجاع داده شده، در حد متعارف عین عبارات مشابه در پاورقی ذکر شده است. مطالب غیر از علامت گذاری با علامت

ویرایشی، با عنوانین مناسب (البته درکرده و شده) معنون شده‌اند. کلیه عبارات هر متن با شماره مسلسل شماره‌گذاری شده‌اند، تا ارجاع به مطلب با کمال سهولت صورت گیرد. مشخصات کامل منابع مذکور در پاورپوینت‌ها، در فهرست منابع آمده است. فهرست تفصیلی مطالب در انتهای خواننده را در یافتن مطالب جزئی یاری می‌کند. اما در مورد هر مطلب بطور خاص نکات زیر یادکردنی است:

اول: فوائد فی دلیل العقل

این مطلب شامل دو فائده از کتاب فوائد الاصول و یک حاشیه از درر الفوائد فی الحاشیة علی الفرائد است. فوائد سیزدهم و چهاردهم، فائده فی المدح والذم فی الاعمال، و فائده فی الملازمة بین العقل والشرع، خراسانی در هیچ یک از آثار خود حتی در کفاية الاصول به این تفصیل درباره دلیل عقل سخن نگفته است. هر چند انتظار آن می‌رفت که وی مفصل‌تر از این همانند دیگر مباحث اصولی، دلیل عقل را بشکافد. مناسب دیدیم رسائل سیاسی را با بحث مبنایی دلیل عقل آغاز کنیم. اگر چه شیخ آقابزرگ طهرانی دو رساله با نامهای مشابه را در عدد آثار شیخ انصاری شمرده، امّا با توجه به وسعت نسبی اطلاعات فلسفی آخوند این دو فائده از جمله مهم‌ترین رسائلی است که در زمینه دلیل عقل به نگارش در آمده باشد.

بحث کوتاه حججیه القطع الحاصل من المقدمات العقلیة یکی از حواشی خراسانی بر رسائل شیخ انصاری است، یعنی درر الفوائد فی الحاشیة علی الفرائد یا حاشیه جدیده، اول تتبیه دوم از تتبیهات مقصد اول در قطع. این بحث در واقع تکلمه‌ای است بر دو فائده قبلی در دلیل عقل و نمایانگر میزان اعتبار دلیل عقل نزد وی است. عنوان بحث را از محتوای حاشیه استخراج کرده‌ایم.

با توجه به نارسایی تصحیح منتشر شده از فوائد الاصول و درر الفوائد فی الحاشیة علی الفرائد این دو فائده و یک حاشیه را بر اساس دو نسخه خطی و دو چاپ سنگی با مشخصات زیر باز تصحیح کرده‌ایم:

۱. نسخه خطی شماره ۲۶۷ ج کتابخانه دانشکده حقوق دانشگاه تهران، با رمز «ح».
۲. نسخه خطی شماره ۱۱۹۶ کتابخانه مجلس شورای اسلامی، با رمز «م».
۳. نسخه چاپ سنگی منتشره در ۱۳۱۵ با خط شیخ احمد کرمانی، طبع شیخ احمد شیرازی، با رمز «س».
۴. نسخه چاپ سنگی، با خط محمدعلی طالقانی، تاریخ کتابت جمادی الاول ۱۳۱۸.

طبع شیخ احمد شیرازی، تاریخ انتشار ربیع رجب ۱۳۱۹، (شماره ۱۶۶۶۹۲ کتابخانه مجلس)، با رمز «ش».

دوم: رساله فی الاجتہاد و التقليد

این مطلب بخش یا بجزی کتاب کفایة الاصول تحت عنوان «الخاتمة، الاجتہاد و التقليد» است که در اینجا یا عنوان رساله فی الاجتہاد و التقليد عرضه شده است. لازم به ذکر است که در میان تقریرات خارج اصول آخوند چندین تقریر تحت همین عنوان به قلم شاگردان وی پنج مانده (از جمله تقریرات سید اسماعیل موسوی خلخالی آل هاشمی نسخه خطی شماره ۱۴۵۱۵/۲ کتابخانه مجلس) که با وجود متن رساله به قلم خود مصنف نیازی به ذکر آنها احساس نشد. در تصحیح این رساله سه تصحیح زیر را با هم مقابله کردیم:

۱. کفایة الاصول منتشره توسط مؤسسه آل البيت علیهم السلام لاحیاء التراث، قم، ۱۴۰۹ (که بر اساس نسخه اصل؛ شماره ۱۴۱۱۷ مجلس با رمز «أ» و نسخه مصحح شیخ محمد آقازاده نجل مصنف با رمز «ب» تصحیح شده است) با رمز «ت».
۲. کفایة الاصول، منتشره از سوی دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۲، رمز «ن».
۳. متن کفایه مندرج در منتهی الدرایة فی توضیح الکفایة محمد جعفر موسوی جزائری، ج ۸، قم، ۱۴۱۲.

ضمناً با مراجعه دوباره به منابع، تحقیق را تکمیل کردیم و عنوان فصول و شماره آنها را نیز در کروشه اضافه نمودیم.

سوم: قاعده‌تان فقهیت‌تان

این مطلب شامل دو قاعده است. اول، قاعده لاضرر قطعه‌ای از کتاب کفایة الاصول است (آخر الخاتمة فی شرایط الاصول، المقصد السابع فی الاصول العملية). عنوان قاعده لاضرر مستفاد از محتوای این قطعه است. در بین تقریرات درس خارج آخوند به قلم شاگردانش عنوان رساله فی قاعده لاضرر به چشم می‌خورد (از جمله تقریرات سید اسماعیل موسوی خلخالی آل هاشمی پیش گفته) که با توجه به متن بحث به قلم خود آخوند نیازی به ذکر آنها احساس نشد. در تصحیح این مطلب همانند مطلب قبلی سه تصحیح پیش گفته کفایة الاصول با هم مقابله شده، هرچند با فصل‌بندی (در کروشه) و مراجعت دوباره به منابع، تصحیح و تحقیق تکمیل شده است.

دوم: رسالت فی العدالة رسالت ناتمامی است که کمتر از دو سال پس از رحلت مصنف در مجموعه «قطرات من برع العلوم اوشذرات من عقدها المنظوم» منتشر شده است (بغداد ۱۳۳۱، با تصحیح شیخ محمد مهدی خالصی کاظمی)، به شیوه اوائل صنعت چاپ بدون پاراگراف بندی و تحقیق. از این رسالت نسخه خطی یافت نشد. آخوند در نگارش این رسالت، رسالت فی العدالة استادش شیخ مرتضی انصاری را مُدّ نظر داشته در مقام نقد یا ابرام آن است. مصنف در این رسالت که اجل مهلت اتمامش را نداده از عدالت فردی فراتر نرفته است، قرینه‌ای دال بر تاریخ نگارش رسالت در دست نیست.

چهارم: المسائل المختيبة من تکملة التبصرة

از دوره کامل فقه فتوایی در کتاب یا ارزش تکملة التبصرة مباحث زیر را که مرتبط با نقش حاکم شرع بود سیاسی تشخیص داده برای این مجموعه برگزیدیم:

۱. فصل اول از باب سوم کتاب صلوٰة، یعنی بحث نماز جمعه.
۲. باب پنجم از کتاب زکاٰة، بحث خمس و انفال.

۳. باب سوم از کتاب صوم در اقسام روزه، بحث روزه واجب.

۴. کتاب جهاد، متن کامل، فصل چهارم این کتاب بحث امر به معروف و نهی از منکر است.

۵. فصل دوم از کتاب نکاح در اولیاء عقد.

۶. کتاب القضا و الشهادات والحدود. این کتاب دوازده فصل دارد. فصول اول تا چهارم به مباحث قضاء، فصول پنجم و ششم به مباحث شهادات و فصول هفتم تا دوازدهم به مباحث حدود اختصاص دارد. فصول اول تا ششم یعنی متن کامل مباحث قضاء و شهادات آورده شده است. از مباحث حدود، یک مستله از فصل هفتم، و فصل دوازدهم یعنی حد محارب و مستله چهارم آن یعنی بحث دفاع از نفس انتخاب شده‌اند.

از متن تکملة التبصرة به چاپ سنگی منتشر شده یک سال قبل از وفات مصنف که کم غلط است، اعتماد شده است. به تنها نسخه خطی شناسایی شده آن که در کتابخانه نور بخش (خانقاہ نعمت اللہی، مجموعه شماره ۴۸۵) نگهداری می‌شود، دسترسی حاصل نشد.

پنجم: مبحث الولاية في تعلیقات المکاسب

از تعلیقات المکاسب حواشی مبحث ولايت را بطور کامل انتخاب کردیم: که شامل ۲۲ تعلیقه کوتاه و بلند است. این مبحث سه بخش دارد: ولايت پدر و جد پدری، ولايت فقيه و ولايت عدول مؤمنین. بخش اول را از آن رو حذف نکردیم تا مبحث ولايت ناقص نشود، و همه اقسام

آن با قیاس با یکدیگر و در کنار هم فهمیده شود. تاریخ نگارش حاشیه قسم بیع مکاسب ۱۳۱۸ یعنی یازده سال قبل از وفات محسّی است. در این مبحث دیدگاههای صریح آخوند خراسانی درباره سه مسئله مهم ولایت موصومان، ولایت فقهی و ولایت عدول مؤمنین مطرح شده است.

این تعلیقات را بر اساس نسخه اصل (به خط آخوند که متأسفانه چندان هم خوشخوان نیست و آکنده از خط خوردنگی است) تصحیح کردیم این نسخه در تملک نوء آخوند، شیخ عبدالرضا کفایی است. آنچنانکه گذشت به نسخه چاپ شده «حاشیة کتاب المکاسب» اعتماد نکردیم. برای درک بهتر و عمیق‌تر تعلیقات لازم دانستیم متن مبحث ولایت را از کتاب مکاسب شیخ انصاری در صدر صفحات قرار دهیم تا شباهتها و تفاوت‌های دیدگاه این دو فقیه برجسته در مسئله خطیر ولایت شفاف‌تر بdst آید. متن مکاسب شیخ را از نسخه مصحح شش جلدی منتشره توسط کنگره جهانی بزرگداشت دویستمین سالگرد تولد شیخ انصاری در قم ۱۴۲۰ (۱۳۷۸ ش) که بهترین تصحیح و تحقیق کتاب مکاسب است استفاده کردیم و تنها تحقیق آنرا تکمیل کردیم.

ششم: مسئلّتان فی الوقف

از کتاب وقف دو مسئله را انتخاب کرده بطور کامل تصحیح و در این مجموعه ارائه کردیم. یکی مسئله نظارت در وقف و دیگری مسئله توقيت در وقف. مقایسه این دو مبحث مشابه در جواهر الكلام (جلد ۲۸) نشان از عمق و فربهی و کثرت تفريعات فقهی آخوند خراسانی دارد. آخوند کتاب وقف را در ضمن تدریس خارج فقه خود مطرح کرده و به گزارش الذریعه حداقل سه تقریر از این دروس نوشته شده است. (۳۷۷/۴، ۱۷، ۳۷۵/۴، ۱۱/۱۷) ضمناً یکی از این مقررین یعنی سید حسن بن محمد باقر موسوی قزوینی در شرح خود بر تکملة آخوند یعنی «اكمال الدین فی شرح تکملة تبصرة المتعلمين» کتاب وقف را شرح کرده است.

از کتاب وقف نسخه خطی نیافتیم و آنرا بر اساس تنها نسخه بجامانده یعنی متن منتشر شده در مجموعه «قطرات من برع البحر العلوم اوشدرت من عقدها المنظوم» (به کوشش شیخ محمد خالصی کاظمی، بغداد، ۱۳۳۱) که متنی کم غلط و پاکیزه است تصحیح و تحقیق کردیم. به قرینه ارجاع به تعلیقات مکاسب در صفحه ۴۰ کتاب الوقف «و قد حققنا فيما علقنا على المکاسب انه لا دلالة له الا على الصحة» زمان کتابت کتاب الوقف می‌باید پس از ۱۳۱۹ یعنی در دهه آخر عمر مصنّف باشد.

هفتم: تقریرات القضا

از درس خارج قضای آخوند خراسانی حداقل سه تقریر نگارش یافته، یکی به قلم شیخ محمد صالح بن میرزا فضل الله مازندرانی متولد ۱۲۹۷ (الذریعه ۳۷۷/۴)، دیگری به قلم سید حسن بن محمد باقر موسوی قزوینی حائری (البته از بحث تداعی تا آخر) و بالآخره جناب میرزا محمد آقازاده فرزند فاضل آخوند. از دو تقریر دیگر نسخه‌ای نیافتیم. اما از تقریر سوم که خوشبختانه دوره کامل کتاب قضا را در بردارد سه نسخه یافتیم نسخ ح، ت و م (که مشخصات کامل آنها را در بخش اول مذکور شدیم) از این تقریرات بالارزش تا آخر مسئله اول از موضع دوم را بطور کامل در این مجموعه آورده‌ایم. در این مباحث ولایت حاکم به شکل استدلای و تفصیلی مورد بررسی و تحقیق قرار گرفته و در حقیقت شرح جامعی بر مبحث الولاية فی تعلیقات المکاسب سابق الذکر است. مباحث انتخاب شده تمامی مباحث سیاسی تقریرات القضا را در بر می‌گیرد و مفصل ترین مطلبی است که از خراسانی درباره مسئله انتصاب و ادلة ولایت فقیه در دست است، و برای نخستین بار در این مجموعه منتشر می‌شود. برای سهولت مطالعه عنوانین جزئی مطالب را در کروشه به متن افزوده‌ایم.

هشتم: منتخب فتاوی فارسی

از مجموعه رساله‌های عملیه فارسی آخوند خراسانی که مستقلأ یا به صورت حاشیه بر فتاوی اساتیدش به کرات با چاپ سنگی منتشر شده است سه مبحث را برگزیده‌ایم:

اول: مسائل تقليد

مسائل تقليد را بطور کامل از سه منبع تصحیح و نقل کرده‌ایم: اول، حاشیه بر صراط النجاة شیخ مرتضی انصاری، شامل ۴۳ مسئله و ۷ حاشیه آخوند؛ دوم، مجمع الرسائل، متن رساله عملیه فارسی میرزا محمد حسن شیرازی با حاشیه آخوند، مشتمل بر ۵۵ مسئله و ۵ سؤال و جواب (که ۴۳ مسئله و ۷ حاشیه رساله اول را عیناً در بردارد)؛ سوم: ۳ سؤال و جواب از کتاب سؤال و جواب آخوند خراسانی مندرج در آخر مجمع الرسائل (که تمام مباحث مرتبط با تقليد آن است).

دوم: علائم دخول ماه رمضان از مجمع الرسائل فوق الذکر.

سوم: مسائل خمس.

منتخبی از مسائل خمس (مرتبط با اذن مجتهد) را از دو منبع تصحیح و نقل کرده‌ایم: اول: حاشیه بر نخبه محمد ابراهیم کلباسی اصفهانی، دوم: مجمع الرسائل حاوی ۳ حاشیه آخوند،

مسائل و سؤال و جوابها را در کروشه شماره‌گذاری کرده‌ایم.

نهم: اهم لوايح و تلگرافات

از آنجا که مجموعه کامل لوايح و تلگرافهای آخوند گردآوري و تصحيح و منتشر نشده است، چاره‌ای جز گردآوري مجموعه کامل آنها نبود. برای اين سهم سی منبع دست اول (که مشخصات آنها در پخش اول گذشت) را انتخاب کردم؛ مشخصات دیگر منابع - که تقریباً تمامی منابع عصر مشروطه را دربرمی‌گیرد - یعنی منابعی که کمتر از پنج لایحه و تلگراف آخوند را گزارش کرده‌اند در ذیل هر مكتوب تذکر داده شده است. متن کامل بیش از چهارصد لایحه، نامه، پاسخ استفتا، و تلگراف از آخوند (منفرداً یا توأمًا با مرحوم شیخ عبدالله مازندرانی و شیخ محمد حسین طهرانی نجل میرزا خلیل) شناسایی و حتی الامکان به ترتیب تاریخی مكتوبات تنظیم شد از آنجا که انتشار «مجموعه کامل لوايح و تلگرافها» در اولویت ستاد بزرگداشت یکصدمین سالگرد مشروطت نبود، به «گریده لوايح و تلگرافها» اکتفا شد، و از این میان حدود یک چهارم آنها به عنوان اهم لوايح و تلگرافها انتخاب شد. ملاک اهمیت در برداشتن نکته‌ای مرتبط با فقه سیاسی یا حکمی سیاسی یا حاوی مطلبی مرتبط با یکی از رجال شاخص دینی، فرهنگی و سیاسی بوده است. در یک کلام مكتوباتی که عدم ذکر آنها خللی به استخراج اندیشه سیاسی آخوند خراسانی بزند، از مكتوبات مشابه به ذکر یک نمone اکتفا شد و برخی موارد مشابه در پاورقی مورد اشاره قرار گرفته است. گاهی در ذیل یک شماره مكتوبهای قریب‌الضمون ذکر شده است.

اغلب مكتوبات فاقد تاریخ است، از مجموعه قرائی، تاریخ یا ترتیب تاریخی مطمئن آنرا استخراج کردیم. بی شک زمان انتشار یک تلگراف در روزنامه یا قرایت آن در صحن مجلس چند روز یا گاهی چند ماه متاخر از زمان نگارش و صدور آن است.

هیچ یک از منابع یادشده عاری از خطأ و اغلاط مطبعی نبود. طبیعی است در تلگراف و سپس انتقال متن تلگراف به اعلامیه، کتاب یا روزنامه به میزان سود تلگرافچی، نسخه‌نویس یا ماشین‌نویس روزنامه خطاهای مطبعی راه یافته باشد. این گونه اغلاط را تا آنجا که به اطمینان احراز کردیم، بدون هیچ اشاره‌ای - چرا که حجمش جدأً زیاد بود - اصلاح کردیم، اصلاحاتی که به تغییر معنی منجر می‌شود حتماً در پاورقی مذکور شده‌ایم. اصلاح اغلاطی را هم که با اطمینان احراز نشد، با عبارت «کذا فی الاصل» یادآور شده‌ایم. به هر حال در مكتوبات تلگرافی ضوابط ادبی چندان رعایت نشده است. نثر بر تکلف و مغلق سده بیش هم مزید بر

علت است. تا حدی که میسر بود با افزودن علائم ویرایشی کوشیدم خواندن را تسهیل کنم. برای هر مکتوب عنوانی را از محتوای آن برگزیده بر تاریخ آن نهادیم. این عنوان غالباً اشاره به مهم‌ترین مطلب آن مکتوب دارد. مکتوبات را بر اساس سال انتشار از ۱۳۱۷ تا ۱۳۲۹ هجری قمری به هفت بخش تقسیم کردۀ‌ایم. بی‌شک اگر دست خط مکتوبات آخوند در نجف بجا مانده باشد - که جدأً امیدوارم چنین باشد - دقت تصحیح و صحّت کار افزایش خواهد یافت. درباره صحّت انتساب هر مکتوب بیش از اعتبار منابع چیزی نمی‌توان گفت، انتشار در مرأی و منظر آخوند و عدم تکذیب و انکار از سوی وی از قرائن صحّت انتساب مکتوب داشته شده است، هرچند باتوجه به ویژگی‌های مطبوعات عصر مشروطه تحقیق خاص در هر مورد بی‌شک مفید است، بهره‌حال مکتوباتی که در مجلس قرائت شده یا در چند روزنامه معتبر یا نیمة اول تاریخ بیداری ایرانیان در زمان حیات آخوند منتشر شده از بالاترین اعتبار برخوردار است. در درجه بعد مکتوبات منتشر شده در کتاب‌های آقا نجفی توچانی، شریف کاشانی، کسری، ملک‌زاده، دولت‌آبادی و نیمة دوم کتاب ناظم‌الاسلام کرمانی. از تعداد انگشت شماری از مکتوبات کلیته دستخط آخوند در دست است.

محدودیتهای تحقیق

علیرغم کوشش فراوان بخش «اهم لوایح و تلگرافات» این مجموعه حاوی تمامی لوایح و تلگرافهای مهم آخوند خراسانی نیست. از بخشی از این مکتوبات مهم مفقود ردهایی یافتم و به وجود آنها پی برده‌ام هرچند متن کاملشان را نیافتدام. این موارد را در پاورقی مجموعه یادآور شده‌ام، به عنوان مثال: نخستین نامه تذکر آمیز مراجع نجف به مظفرالدین شاه قاجار (قبل از ۱۳۱۷)، نامه ناصحانه تاریخی آخوند خراسانی به شیخ فضل الله نوری، دو نامه دیگر به ادوارد براون، متن فارسی اندرز به احمد شاه. اما بخش دیگر از محدودیتهای «اهم لوایح و تلگرافات» برخاسته از محدودیت منابع تحقیق است به شرح زیر:

۱. فهرست نشدن اکثر اسناد کتابخانه‌های اصلی ایران از قبیل اسناد کتابخانه‌های مجلس و ملی که ظاهراً افزون بر چند میلیون سند بویژه اسناد منحصر بفرد عصر مشروطه است.
۲. عدم امکان دسترسی آزاد به فهرست اسناد مهم موجود در مراکزی از قبیل مرکز اسناد

مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران (وابسته به بنیاد مستضعفان) و عدم همکاری لازم با
محقق از سوی چنین مراکزی.

۳. عدم امنیت لازم در شهر نجف جهت مسافرت و تبعیغ در کتابخانه‌های آن شهر و عدم
انتشار فهرست مخطوطات، اسناد و جراید کتابخانه‌های آن شهر.

۴. در دسترس نبودن جرائد ایرانی و فارسی زبان منتشره در خارج از ایران از جمله قاهره
و استامبول از قبیل مجموعه کامل نشریات حکمت، ثریا و اکثر نشریات چاپ استامبول و نیز
عدم تدوین فهرست کاملی از آنها.

۵. عدم تشخص در مجموعه آثار ادوارد براون در کتابخانه کمبریج.

۶. ناقص بودن دوره‌های موجود در ایران روزنامه نجف.

بی‌شک با رفع این محدودیتها مجموعه‌ای کاملتر از اهم لوایح و تلگرافهای آخوند
خراسانی بدست می‌آید. آنچه حاصل آمده قدم اول است و تکمیل و تتمیم می‌طلبند.

به هر حال نگارنده نه خود را مصحح می‌داند نه مورخ. صرفاً تحقیق در آراء سیاسی
آخوند خراسانی او را به این وادی کشانده است و از مصححان و مورخان و محققان انتظار
دارد که بر او متن تنهند و خطاهای و کاستی‌ها و لفزش‌های او را متذکر شوند تا اگر توفیق تجدید
انتشار نصیب شد مجموعه‌ای کم نقص‌تر ارائه شود.

امیدوارم شاهد انتشار مجموعه کامل آثار آخوند خراسانی و نیز تهییه مجموعه‌های مشابه
درباره آیت الله شیخ عبدالله مازندرانی و آیت الله شیخ محمد حسین طهرانی نجل میرزا
خلیل باشیم. ان شاء الله

سپاسگزاری

نگارنده وظیفه خود می‌داند از همه عزیزانی که در تهییه این مجموعه او را یاری کرده‌اند
سپاسگزاری کند، بویژه فاضل محترم جناب آقای شیخ احمد قابل که استنساخ، تصحیح اولیه
و تحقیق مقدماتی حدود یک سوّم از این مجموعه (یعنی فائدتان فی دلیل العقل، رسالتة فی
العدالة، المسائل المنتخبة من تکملة التبصرة، مسئلتان من کتاب الوقف و تقریرات القضاة)
را به عهده داشته‌اند، حجت الاسلام و المسلمين آقای شیخ عبدالرضا کفایی نوّه آخوند،
حجت الاسلام آقا سید رضا حسینی امین، حجت الاسلام آقای سید حسینی مقیم مشهد،
حجت الاسلام آقای محسن دریابیگی، آقای توحید محترمی، آقای اسماعیل شمس،

آقای صادق حیدری نیا، آقای مسعود کوهستانی نژاد، آقای فرید قاسمی، کارکنان بخش جراند و بخش نسخ خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی، کارکنان کتابخانه ملی، کارکنان کتابخانه دائمی المعارف بزرگ اسلامی، کارکنان کتابخانه و بخش اسناد مرکز مطالعات تاریخ معاصر ایران، کارکنان کتابخانه حسینیه ارشاد، کارکنان مرکز اسناد کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران که در دستیابی به نسخ خطی، چاپهای سنگی و سربی آثار آخوند، روزنامه‌های عصر مشروطیت و کتب لازم یاریم کردند و نیز سرکار خانم فاطمه بابایی بواسطه حروف چینی کم غلط و سریع متن تشکر می‌کنم. (حروف چینی بخش اهم لوایح و تلگرافهای کتاب به واسطه دست‌یابی تدریجی به اسناد جدید هفت بار تجدید شده است).

از همایش بزرگداشت صدمین سالگرد مشروطیت در ایران که بانی امر خیر بزرگداشت آیت الله ملا محمد کاظم خراسانی بود و مرا به اندیشه نگارش مکتب سیاسی خراسانی، و به عنوان مقدمه آن سیاست‌نامه خراسانی انداخت و از انتشارات کویر که نشر آن را عهده‌دار شده است سپاسگزاری می‌کنم. و ما توفیقی الاله عليه توکلت و اليه انب.

محسن کدیور

تهران، ۱۰ فروردین ۱۳۸۴